

Original Article

A Study of the Status and Biological Rights of Prominent Animals in the Ancient Ritual of Mehr

Aynaz Asgari Geloogahi¹, Askar Bahrami Kahish Nezhad^{2*}, Mirza Mohammad Hassani³

1. Ph.D. Student in the History of Pre-Islamic Iran, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of the Great Islamic Encyclopedia Foundation (Encyclopedia of the Islamic World), Tehran, Iran.

(Corresponding Author) Email: asbahrami@yahoo.co.uk

3. Assistant Professor of History, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran.

Received: 13 Apr 2020 Accepted: 11 Aug 2020

Abstract

Mehr, Mitra or Mithra is an ancient Aryan or Indo-Iranian divinity before Zoroaster which contains the most important principles and morals including treaty, friendship, devoutness and considering the animals' and plants' life rights.

Every animal and their symbols contain a nonmaterial, mythical, humane and moral meaning in Mehr ritual and Mithraism, and humans and animals have their own rights. According to the existing documents, Iran is known to be the main hometown of Mehr; however, there has been few monuments left in this land. The influence of Iranian Mehr on the Western Mehr, due to the function and position of pictorial and operational symbols of animals, plants and geometrical figures of Mithra after its penetration into the West and affecting the political system and government of Europe and also the people's beliefs and ideas has been very significant. The significant point in the ancient ritual of Mehr is considering the animals' rights with the purpose of not annoying them, preventing the opposition to their realm and respecting their life rights. Considering the fact that animals, plants and other creatures in the nature were valuable in the ancient ritual of Mehr, this paper has tried to study the way of this valuation and its performance and the reasons of the Iranians' interest in the animals. The current survey is going to study the concepts of the Mehr ritual and the animals' rights with a focus on five distinguished animals in the different eras of Iran using a descriptive-analytical method based on a historical study.

Keywords: Mehr Ritual; Mithraism; Animals; Ancient Religions; Rights; Life Rights.

Please cite this article as: Asgari Geloogahi A, Bahrami Kahish Nezhad A, Hassani MM. A Study of the Status and Biological Rights of Prominent Animals in the Ancient Ritual of Mehr. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 323-351.

مقاله پژوهشی

بررسی جایگاه و حقوق زیستی حیوانات شاخص در آیین باستانی مهر

آیناز عسگری گلوگاهی^۱، عسکر بهرامی کهیش‌نژاد^{۲*}، میرزا محمد حسنی^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (دانشنامه جهان اسلام)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: asbahrami@yahoo.co.uk

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۱

چکیده

مهر، میترا یا میثره از ایزدان باستانی آریایی پیش از روزگار زرتشت است؛ که دارای مهم‌ترین اصول و مبانی اخلاقی مورد توجه، اهمیت و رواج ایرانیان بوده، از جمله آن‌ها توجه به عهد، پیمان، دوستی، کردار نیک رعایت حقوق زیستی حیوانات و گیاهان برشمرده. بدین‌گونه که هر حیوان و نمادهای آن‌ها در آیین مهری و میترایسیم حامل مفهوم و معنایی غیر مادی، اسطوره‌ای، انسانی و اخلاقیست که آدمیان و حیوانات از حقوقی خاص خود برخوردار می‌باشند. بنا بر اسناد موجود می‌توان زادگاه اصلی ایزد مهر را ایران دانست، هرچند که امروزه آثار بسیار اندکی از این آیین در سرزمین ایران بر جای مانده است و تأثیر مهر ایرانی بر میترای غربی نیز با توجه به نقش و جایگاه نمادهای تصویری و کاربردی از حیوانات، گیاهان و اشکال هندسی میترا پس از نفوذش به غرب و اثربخشی بر نظام سیاسی و دستگاه حکومتی کل اروپا و نیز باورها و عقاید مردم از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. نکته قابل توجه در آیین باستانی مهر رعایت حقوق حیوانات بوده، با هدف احترام به حقوق زیستی، آزردن‌نشدن، جلوگیری از تعارض به حریم آن‌ها و غیر. در این مقاله کوشیده شده تا بیان نماید که در مبانی اعتقادی آیین مهر به حیوانات، گیاهان و سایر موجودات در طبیعت ارزش قائل بوده و به چگونگی این ارزشگذاری و نحوه اجرای آن و دلایل علاقه ایرانیان باستان به حیوانات بپردازد. در این مقاله به صورت اجمالی با تکیه بر چندین حیوان شاخص این آیین با رویکردی توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعه تاریخی سعی شده تا به بیان مفاهیم آیین مهری و حقوق زیستی حیوانات در ادوار مختلف ایران باستان پرداخته شود.

واژگان کلیدی: آیین مهر؛ میترایسیم؛ حیوانات؛ ادیان باستانی؛ حقوق؛ حقوق زیستی

مقدمه

آیین مهر آیینی است که پیروان آن به ایزد مهر یا میترا معتقد بوده‌اند و او را خدای مهر و دوستی، صلح و پیمان، دوستی، پارسایی و مظهر نور و روشنایی می‌دانسته‌اند. آیین رازآمیز مهرپرستی از قدیم‌الایام مورد پرستش و ستایش در ایران و هند بوده است و هنوز هم به عنوان ایزد مورد احترام زرتشتیان است. اثرات آیین مهرپرستی و اهمیت رفتار و کردار مربوط به این آیین باستانی، هنوز در این ایرانیان رواج دارد. پس از ایران و هند، مهم‌ترین منطقه‌ای که از مهرپرستی تأثیر بسیار گرفت، روم بود. مجموعه آداب و رسوم و سنن اقوام در باب محترم‌شمردن حیوانات در یک جامعه بازگوکننده کنش‌ها و منش‌های گذشتگان آن جامعه است و ریشه در تاریخ دارد. باارزش‌شمردن حیواناتی در آداب و سنن، فرهنگ عامیانه و آیین‌های دینی رسوخ کرده تا جایی که در اکثر آداب ایرانیان عملی با حضور حیوانات انجام می‌شود و در حرفه‌هایی چون کشاورزی، دامداری ارزشمند و امور دینی مفید بوده که همچنان نیز ادامه دارد. رعایت حقوق حیوانات و یا اذیت و آزار جانوران در ایران باستان پاداش و کیفر داشته و شخصی که حقوق این حیوان را رعایت نمی‌کرده، در این جهان و جهان دیگر مستوجب عذاب بوده است. این پژوهش بر آن است که تا با رویکرد توصیفی تحلیلی، جایگاه سگ در آیین و فرهنگ عامه مردم ایران باستان را مورد بررسی قرار دهد. مهرپرستی که از جهت دینی و اخلاقی، ایرانی بود و به نوعی، از فلسفه عرفانی، پیروی می‌کرد در روم به شکل آیینی درآمد که میترائیسم نام گرفت. در واقع بسیاری از عناصر دین ایرانی مهرپرستی وارد میترائیسم شدند و می‌توان گفت که بسیاری از تصاویر به دست‌آمده از مهرابه‌های رومی، تا حد زیادی به نمادها و سنت‌های ایرانی بازمی‌گردند.

بقایای بازمانده از آیین مهری، نشانگر یک سلسله آثاری از دوران باستان هست که با روندی تکاملی داستان پیشرفت مردمان را بازگو می‌کند که ایرانیان در عصر باستان جایگاه مقدسی برای پرورش نگهداری حیوانات قائل بودم و به آن‌ها احترام می‌گذاشتند، کما این‌که این احترام و محترم‌شمردن حیوانات و گیاهان در آیین مهر به صورت واضح قابل ملاحظه

می‌باشد که حیوانات دارای درجات گوناگونی بوده و روحيات درک کرده و یک روابط منظم و دارای عهد و پیمان با آن‌ها داشتند و در مذهب و آیین از توصیف و طبقه‌بندی از حیوانات استفاده می‌کردند که نشانی از آداب و رسوم مردمان آن زمان به خصوص مهرپرستان را دارد. نکته مهم در این پژوهش، بررسی حقوق حیوانات در آیین مهر است که از این رو سعی شده است ضمن مطالعه پیدایش آیین مهر و مهرپرستی در ایران و دلایل گسترش آن، تأثیرات این آیین در به وجود آمدن نقوش و نمادها حیوانی، تفکیک و معرفی شود. آیین مهر به عنوان یکی از قدیمی‌ترین آیین‌های تأثیرگذار ایران زمین برای طبیعت و حیوانات احترام زیادی قائل بود. باید دانست که این نگاه خاص به موجودات و عناصر طبیعی سبب آفرینش آثار چشم‌گیر و قابل توجهی گردید و با این‌که آیین مهر به مرور زمان (در ظاهر) از میان رفت، اما مراسم و آیین‌های مربوط به آن، در قالب ادیان دیگر، از جمله مسیحیت و از راه‌های گوناگون به حیات خود ادامه داد. جالب که جایگاه نمادهای حیوانات و طبقه‌بندی حیوانات در بسیاری از فرهنگ‌ها متداول است. امروزه مردم‌شناسان بر اهمیت این طبقه‌بندی‌ها برای شناخت جهان‌بینی فرهنگ‌ها تأکید می‌کنند و بیان داشته که نمادهای جانوری در دین مهر نمایانگر خاستگاه باورهای اولین جامعه‌ای است که این دین از آنجا برخاسته و طبقه‌بندی حیوانات بر پایه ملاک‌های گوناگونی استوارند. برای مثال ایرانیان باستان ملاک اصلی تقسیم‌بندی مخلوقات، خوب یا بدبودن آن‌ها بود و یا درهند باستان قداست آن‌هاست (۱).

کیش پرستش مهر یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین دین‌های جهان باستان است و در دوره‌ای، با نام دین میتراس که امروزه به آن میترائیسم می‌گویند که سراسر اروپا را فرا گرفت. این دین بر پایه پرستش ایزد ایرانی مهر بنیاد شده بود و با توجه به این‌که از وجود کیش مستقل به نام مهرپرستی در ایران باستان آثاری به دست نیامده است، برخی از پژوهشگران درباره ایرانی‌بودن آن تردید دارند. این موضوع تاکنون از جنبه‌های مختلفی بررسی شده است. از آنجا که در دین مهر نیز، همانند اغلب فرهنگ‌ها و دین‌های جهان باستان، جانوران جایگاه و اهمیت خاصی داشتند و در نقش‌های بازمانده از این

آیین، جانوران و نمادهای آن‌ها حضوری چشم‌گیر دارند، شناخت آن‌ها و بررسی خاستگاهشان می‌تواند در حل مشکل خاستگاه این دین راهگشا باشد (۲).

گفتنی است که تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره دین مهر صورت گرفته است. بنابراین باید گفت در این مقاله سعی شده تا با گردآوری و تحلیل اطلاعات مربوط به نمادهای جانوری در دین مهر، شناخت دقیق‌تری از این آیین رازآمیز و ناشناخته ارائه شود که به یکدیگر وابسته هستند و دارای حقوق می‌باشند که به آن حقوق زیستی می‌گویند، این شبکه بزرگ را شبکه حیات می‌نامند. موجودات زنده کره زمین را به چهار دسته اصلی تقسیم می‌کنند (۳).

در راستای این هدف، با استفاده از کتب، مقالات، ترجمه‌ها و بررسی تطبیقی یافته‌ها، این نتیجه حاصل می‌گردد که هرچند صورت ظاهری حیوانات موجود در نگاه و اندیشه آیین مهر و میترائیسم، با ورود به آیین مسیحیت تغییر چندانی نکرده باشد، اما جایگاه مفهومی و حقوق زیستی آن‌ها به قطع، دستخوش تحولات بسیاری شده است.

حقوق حیوانات در ایران باستان

حقوق، آداب و رسوم و باورهای مردم درباره چگونگی رفتار با حیوانات و گیاهان عموماً بازگوکننده و نمایان‌گر روحيات، اعتقادات و نفسانیات آن‌هاست و برای آنکه در پی آگاهی از این روحیه بود، پس به ناچار باید فرهنگ و ادبیات عام آن ملت را شناخت. تفکیک ارتباط و احتیاج انسان و حیوان امری امکان‌ناپذیر است که در زندگی ایرانیان از گذشته تا حال نقش و کارکرد محوری داشته است.

حیوانات در فرهنگ و ادب عامه، سنت، باورها و رسوم اجتماعی مردم حضوری پررنگ داشته و اکثراً جوامع گرمای داشتن حقوق آن‌ها در نهایت توانسته در راستا اهداف و بهره‌گیری از حیوانات در سهولت زندگی خود آن‌ها را رام کنند. در میان اقوام بومی و آریایی‌ها در ایران که همواره در معرض حمله دزدان و غارتگران قرار داشتند، ضرورت وجود حیوانات برای حفظ و نگهداری امنیت هرچه بیشتر احساس می‌شده است و این احساس نیاز همراه با سپاس ایرانیان نسبت به

حیوانات دیده می‌شود. حیوانات جزء نزدیک‌ترین یاور انسان در زندگی بوده و هستند تا جایی که زندگی انسان‌ها در صحرا، دشت و روستاها، ایلات و عشایر در حمل و نقل، نگهداری و مراقبت، کشاورزی، اعتقادات، تغذیه و شکار تا حدی زیادی مدیون آن‌ها می‌باشد، گرچه حیوانات به تناسب پیشرفت‌های تکنولوژی امروزه، حیوانات نقش‌ها و کارکردهای ویژه‌ای و شیوه‌های خاص پرورش، تعلیم و نگهداری مخصوص به خود را دارند و به غیر از ایران اغلب در میان کشورهای که تاریخ غنی دارند از دیرباز به زندگی و حیات حیوانات احترام می‌گذارند و در پرورش و نگهداری آن می‌کوشیده‌اند و در نزد اقوام دیگری چون مصری، روس، یونانی، چینی و هندی نیز از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است (۴).

در ایران باستان نیکی به حیوانات سودمند از وظایف اصلی بوده است. در تاریخ نقل شده بهرام گور از پادشاهان ساسانی کوشش‌های فراوانی در جهت توسعه پرورش اسب و اسب دوانی می‌کرد و انوشیروان به دامپروری علاقه فراوانی داشت. نیکی و ترحم به حیوانات در آیین مزدیسنا که در زمان ساسانیان رواج داشت، اهمیت زیادی داشته و در این مورد در شایست ناشایست، ادویراف‌نامه که در زمان ساسانیان نوشته شده، نکات جالبی دیده می‌شود.

ادویراف موبدی است که به بهشت و دوزخ سفر می‌کند و سزای آنان را که نسبت به حیوانات بدرفتاری می‌کنند، عذاب دوزخ و پاداش کسانی که به حیوانات نیک‌رفتاری می‌کنند را سعادت ابدی. در ادیان مانی و مزدک نیز برای حیوانات اهمیت خاصی قائل بودند. مانی مردی ایرانی و دین او دین آمیخته از آیین زرتشت، مسیح و احتمالاً سایر ادیان زمان بود. برگزیدگان یا روحانیان این آیین از خوردن گوشت و هرگونه آزاررسانیدن به حیوانات و گیاهان به شدت امتناع می‌کردند و در کیش مانی نیز میترا نجات‌بخش جهان در رستاخیز پیش از اشتعال جهان معرفی شده است (۵).

در رساله شایست ناشایست که از کتب پهلوی پیش از اسلام است که تاکنون باقی مانده، کشتار بی‌هوده حیوانات به شدت نهی شده است. در این کتاب می‌خوانیم هر کس بی‌هوده حیوانات را بکشد، در آن جهان غذایی دردناک خواهد داشت و

طوری که خاستگاه مهرپرستی، ایران دانسته شده است. آیین مهر کتاب آسمانی ندارد، اما آنچه که مشخص است، این است که نخستین بار مهرپرستی در غرب ایران رواج یافته است. با ظهور زرتشت پیامبر ایرانی، مهر مقام اولیه خود را از دست داد، اما به عنوان یکی از ایزدان، در دین زرتشت باقی ماند.

میثره یا مهر در وداها کتاب مقدس هندیان باستان، به صورت خدایی با هیبت و با ویژگی‌های انسانی ظاهر می‌شود. نام او در این کتاب اکثراً همراه با نام خدایی دیگر به نام «ورونه» به صورت زوج میثره - ورونه یا ورونه - میثره (Mitra-Varuna) ذکر می‌شود.

میثره و ورونه به صورت فرمانروایان کیهانی توصیف شده‌اند که نظم را در جهان خدایان و آدمیان برقرار می‌کنند، زیرا پیمان و سخن راست اساس تمامی زندگی نظام‌یافته در کیهان، در دین و جامعه است، میثره - ورونه از خدایانی هستند که متحد و متفق که به معاضدت و کمک همکار بندگان و احوال طبیعت را سامان بخشیده و این توافق و پیوستگی در آنان چنان است که حتی سوار گردونه‌بی می‌شوند، با دو چرخ، البته در اینجا از میثره - ورونه نور و روشنایی و یا خورشید استنباط می‌شود، آسمان نورانی، آسمان و خورشید - و در پرتو این معنا است که رمز این به هم پیوستگی روشن می‌شود.

هندوان چون ایرانیان از زمان‌های بسیار دوری به پرستش مهر یا میترا سابقه داشته و این ایزد برایشان بسیار محبوب و قابل اهمیت بود و حضور این آیین مربوط به دوره‌های نخستین مهاجرین آریایی تبار به فلات ایران و سرزمین هند است که موجب اشتراکات اعتقادی زیادی در مدت زمان طولانی مابین اقوام ایران و هند شده بود (۸).

طبقه‌بندی حیوانات بر پایه ملاک‌های گوناگونی استوار است، اما برای ایرانیان باستان ملاک اصلی تقسیم‌بندی حیوانات خوب یا بد بودن آن‌هاست. میترا از نزاع و کشمکش میان مردم جلوگیری می‌کند و هر کس نسبت به او وفادار بماند و در واقع پیمانش را نشکند، از نعمات فراوانی لذت خواهد برد و کشته نخواهد شد و هیچ اضطرابی به او نخواهد رسید. آنان مریض نمی‌شوند و با زانوانی استوار بر زمین

هر که به حیوانات نکویی کند و امکان زاد و ولد آن‌ها را فراهم آورد، مورد لطف ایزدی قرار خواهد گرفت (۶). در اوستا نیز از قول زرتشت توجه و مهربانی به حیوانات توصیه شده است و از جمشید به عنوان نجات‌دهنده حیوانات بسیار یاد شده است (۷). جمشید به وسایل اهلی کردن حیوانات را ابداع کرد و در صنعت ابریشم و دیگر رستنی‌ها تبحر داشت و بفرمود تا لباس ببافند و رنگ کنند. زین و پالان را ابداع کرد تا به کمک آن چهارپایان را رام کنند و به اطاعت درآورند. در اوستا جمشید دارنده گله‌های فراوان است و حیوانات را از شر گرسنگی و بی‌علوفگی می‌رهاند (۸).

آریاییان ایران و هند به وجود خدایان و فرشتگان متعددی برای هر چیز قائل بودند، از جمله خدایانی بودند که بر حیوانات تأثیر اساسی داشتند، مانند اوشس که نگهدارنده گاوان بود و سویتری که خدای آفتاب و زنده‌کننده و زاینده بود و روشنایی را به بشر هدیه می‌کرد و همه این‌ها یادآور میترا و مهر هستند که در سنت آریایی و مخصوصاً ایرانیان نگهبان گله اسبان و نشخوارکنندگان و بخشنده قدرت باروری به حیوانات ماده و زنان بودند (۹).

ویشنو خدای محافظ و مظهر نیروی آفتاب، صاحب گاوان شیرده و چراگاه‌های حاصلخیز بود و در خدمت مردم قرار داشت. ریشودوا که روح همه خدایان بود، کمال محبت و عنایت را به همه موجودات از جمله گاو و گوساله داشت. در اوپانیشاد هندوان، رعایت حیوانات و آزارنرساندن به آن‌ها با بیانی شاعرانه توصیف شده و از شیرگاو، برداشت عرفانی در جهت وحدت وجود هست و اشاراتی هم به رنگ‌های گاو در آن دیده می‌شود. در اوستا و کتب پهلوی هر یک از روزهای ماه‌های ایرانی نام مخصوصی داشت که هر کدام نام یکی از فرشتگان بود. در این روز دعای مخصوص در واسپارا می‌خواندند و سلامت حیوانات را آرزو می‌کردند (۱۰).

نقش حیوانات و خویشکاری حقوقی آن‌ها و ارزش

زیستی بر اساس باور در آیین مهر

مهر، سمبل پیمان نزد ایرانیان، از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار بود. پرستش مهر در ایران، پیشینه قدیمی دارد، به

می‌ایستند و رحمت و نیکخواهی میترا را دریافت خواهند کرد. او در این کار همراهان و یاورانی نیز دارد، از جمله همان ورونه و نیز آریامن (ایزد محافظ آریاها) در وداها، مهر حالت رزمجویی و جنگندگی کم‌تری دارد و نقش کیف‌دهندگی به پیمان‌شکنان بیشتر به ورونه رسیده است و میترا همانند خدایی خیرخواه و مهربان جلوه‌گر می‌شود، اما احتمالاً در اصل، به این صورت نبوده و پیش از آنکه مهر در ریگ ودا صورت نهایی خود را بیابد از هر دو نیرو برخوردار بوده است، یعنی توانایی نیکی‌کردن و قدرت مجازات و خشم (۱۱).

این مسأله در بخش‌هایی از وداها مشخص می‌شود، مثلاً در جایی از تخریب مساکن پیمان‌شکنان توسط مهر سخن رفته است. در کتاب وداها داستانی در رابطه با میترا و قربانی گاو نیز آمده است: در این داستان، سوما که باران است در عین حال تخم گاو آسمانی است که زمین را زایا می‌کند و شیر گاو آسمانی است که به مردمان غذا می‌رساند، اما چون خدایان می‌خواهند به قطره‌ای از آب زندگی دست یابند تصمیم می‌گیرند، سوما را بکشند. وایو خدای باد، حاضر به انجام‌دادن این کار می‌شود و از مهر هم خواهش می‌کند تا در توطئه شرکت کند. خدایان به مهر می‌گویند: «ما قصد داریم سوما را بکشیم.» مهر پاسخ می‌دهد: «به چنین کاری تن در نمی‌دهم، از این رو که دوستار همگان هستم.» خدایان دیگر می‌گویند: «با وجود این ما می‌خواهیم او را بکشیم» (۱۲).

مهر به این شرط در قتل شرکت می‌کند که بهره‌ای از قربانی نیز به او برسد، چون کشتن سوما منجر به از دست‌دادن گاو و گوسفندانش می‌شد و چارپایان از او رویگردان می‌شدند، حتی وارونا هم در قتل شرکت می‌کند. موافق مراسم دینی، سوما را میان دو سنگ خرد می‌کنند و شیر ساقه گیاه را بیرون می‌کشند، مهر نگهبان همه آفریده‌های روی زمین و حامی سودمند همه آنان است و آنچه در نگاه نخست از شخصیت میثره در مهریشت آشکار می‌شود، ارتباط او با پیمان، جنگ، نخستین پرتو سپیده‌دم، منشأ زندگی و خورشید است (۱۳).

القابی از میثره در اوستا نشانگر زندگی‌بخش بودن اوست و این ویژگی او تنها در اوستا آمده است. میثره خدای بخشنده

باران و رویاننده گیاه بخشنده و پسر بخش است. بخشش‌های مهر به پیروانش، زندگی نیک و رامش است. او بخشنده گله و شهریار (پسر) فرزند خوشبختی است، ارتباط مابین مهر و حیوانات از ابتدای زایش مهر شروع می‌شود. زایش مهر از دوشیزه که در آب بارور شده، در نظر روشنیان دین مهر یکی از برجسته‌ترین رویدادها بوده است. از این رو در نمادهای مهری همبستگی ویژه‌ای با آب و آنچه در آب، بارور می‌شود و می‌روید دیده می‌شود که برجسته‌ترین آن‌ها، مروارید، دلفین و نیلوفر است (۱۴).

چنین به نظر می‌رسد مهر اخلاقی دوگانه دارد و روح او با حیوانات تجلی پیدا کرده است. نمادگرایی دانشی کهن و قدیمی‌ترین ابزار برای بیان مفاهیم است. هنگامی که خدایان شکل انسانی پیدا کردند، نقوش کهن از میان نرفتند، بلکه خدای آدمی‌شکل را به صورتی مصور می‌کردند که بر فراز شکل حیوانی پیشین خود ایستاده یا بر آن نشسته است. همچنین قرص خورشید و ماه بخشی از تاج و پوشش سر او شدند. نقوش مربوط به قربانی‌کردن گاو توسط مهر از بازتاب‌های چنین نمادپردازی‌هایی به شمار می‌روند. آیین‌های خورشیدی اغلب دارای نکات و نمادهای مشترکی هستند، مثلاً خورشید نماد نور و روشنایی، آسمانی و آسمان‌پیماست (۱۵).

مهر خداوند ظلمت و جهان زیرین و راهنمای مردگان و ارواح است، زیرا که در مغرب فرو می‌رود و به جهان ظلمت سیر می‌کند یا چشم آسمان است یا چشم خداوند و ذات برتر و وظیفه‌اش از آن فرازین‌گاه نگرش در کار مردم می‌باشد و بیراهان و کجراهان را مجازات می‌کند. زایانده و بارورکننده و مظهر قدرت و نیرو (گاو ورزا، نره گاو) است.

نمادهای مار، سگ، عقرب، نیزه، جام (سنگاب، پیاله)، دایره یا حلقه، کلاغ و... نیز مشترکات آیین‌های خورشیدی است که با جهان نباتی و خدایان گیاهی و آسمان و صور فلکی رابطه دارد و دو جنبه مثبت و منفی، تاریکی و روشنایی، رأفت و مهر و خشم و انتقام را با هم دارد و با آیین‌های داور، پهلوانی، شهنشاهی، شهریار و شهریاران حکیم در پیوند است.

مهم‌ترین منبع برای شناخت ایزد مهر، در اوستا است؛ درکرده یشت‌ها، بخشی نیز به مهر اختصاص یافته است که مهریشت و دارای ۱۲۴ پاره است (۷). قدمت مهریشت به حدود سال ۴۱۲ پیش از میلاد می‌رسد، اگرچه مطالبی مربوط به زمان‌های بسیار کهن‌تر را در خود جای داده است. در اینجا خلاصه‌ای از مهریشت ذکر خواهد شد تا از خلال آن به ویژگی‌های مهر در اوستا بیشتر پی ببریم، چنانکه در مهریشت فقط از میثره نام می‌برد و بقیه خدایان به این خاطر که با او در او ارتباط هستند، نامشان ذکر می‌شود (۱۶).

آن‌چنانکه از مهریشت برمی‌آید، وظیفه اصلی میثره، حفاظت از پیمان است، مهر بیشتر به شکل یک جنگجو ظاهر می‌شود و خانه‌های آنان را ویران می‌کند، اما بالعکس با وفاداران به پیمان‌ها، مهربان است و به آن‌ها خانومان می‌بخشد. به همین دلیل رسمی باستانی وجود داشته است که برای استحکام پیمان‌ها در برابر آتش به میترا سوگند می‌خوردند و ماه هفتم و روز شانزدهم هر ماه در مهر یشت اوستا و جشن مهرگان مخصوص اوست. از اینجاست که آتش را نماینده مهر دانستند و این دو با یکدیگر وابستگی نزدیکی پیدا کردند.

در مهریشت آمده مهر دارنده دشت‌های فراخ و کشتزار خوب است. اهورامزدا مهر را در شایسته‌بودن و سزاوار نیایش‌بودن مساوی با خود آفریده است. مهر پیمان‌شکننده نابکار را نابود می‌کند و اسب‌های تیزرو را به کسی می‌دهد که پیمان نشکند. مهر دارای هزار گوش و هزار چشم است و بدون خواب، پاسبانی می‌دهد و نخستین ایزد مینوی است که پیش از خورشید در بالای کوه هرا ظاهر می‌شود.

او فربخشنده و شهریاری‌دهنده است و هیچ کس نمی‌تواند به او دروغ بگوید. اسب‌های پیمان‌شکنان از جای خود حرکت نمی‌کنند و نیزه‌ای که از دشمن مهر پرتاب شود، به قهقرا برمی‌گردد. هشت تن از یاران او در بالای کوه‌ها و برج‌ها به منزله دیده‌بانان مهر نشسته‌اند و پیمان‌شکنان را می‌نگرند، مخصوصاً کسانی که نخست پیمان می‌شکنند. او ده هزار دیده‌بان دارد. آفریدگار برای او در بالای کوه بلند و درخشان و با سلسله‌های متعدد، آرامگاه قرار داد و در آنجایی که نه شب

است نه تاریکی، نه باد سرد است و نه گرم و نه ناخوشی و نه آلودگی دیو آفرید. در آنجا مهر نیز وجود ندارد. این مکان را امشاسپندان و خورشید با همکاری یکدیگر ساختند تا مهر بتواند از بالای کوه هرئیتی سرتاسر جهان مادی را بنگرد. دین مزدا راه را مهیا ساخت تا او خوب بتواند حرکت کند. اسب‌های مهر در فضای هوا به صورت پرنه به گردش درمی‌آیند و در مقابل او تمام دیوهای غیر مرئی و دروغ‌پرستان به هراس می‌افتند (۱۱).

در جلوی او، ورهرام (بهرام) به صورت یک گراز با دندان‌های تیز از خود دفاع می‌کند. یک گراز نر با چنگال‌های تیز که با یک ضربه، هر کسی را هلاک می‌کند. گرازی با صورت خالدار که کسی نمی‌تواند به او نزدیک شود. مهر از رشن برای مصاحبت طولانی، منزلی دریافت نمود. هوم مقوی درمانبخش و فرمانده زیبا با چشم‌های زرد در بلندترین قله کوه هرئیتی برای مهر بی‌آلایش، از برسم بی‌آلایش و از زور بی‌آلایش و از کلام بی‌آلایش، فدیة آورد. مهر گریزی با صد تیغه و صد گره در دست دارد. این گرز از زر سخت ساخته شده است و محکم‌ترین و پیروزمندترین سلاح است. از طرف راست مهر، سروش و از طرف چپش، رشن در حرکت است. گرداگردش نیز فرشتگان آب‌ها و گیاهان و فروهرهای پاکان هستند. او بر اسب سفید خود، نیزه سرتیز چوب بلند و تیرهای دورزن دارد. دست‌های بسیار بلندش، پیمان‌شکن را گرفتار می‌کند، در دهانه رود ارنگ یا در مرکز زمین باشد، در حالی که سپر سیمین و زره زرین بر کرده دارد با تازیانه، گردونه خود را می‌راند. سم‌های پیشین آن‌ها از زر و سم‌های پسین از سیم پوشیده شده است، گردونه او زیبا و یکسان است و با زینت‌های گوناگون، آراسته شده است و چهار اسب سفید یکرنگ جاودانی که از آبشخور مینوی غذا می‌یابند، آن را می‌کشند (۱۷).

این اسب‌ها به مالبد و قلاده و یوغ بسته شده‌اند و به واسطه پیوستن یک قلاب شکافدار پهلوی هم می‌ایستند. در گردونه مهر، هزار کمان خوب ساخته شده موجود است که به سرعت قوه خیال به سوی سر دیوها پرتاب می‌شود. در گردونه او هزار تیر، هزار نیزه تیغه تیز و هزار تبرزین دوتیغه پولادین و

هزار خنجر دوسره و هزار گرز زیبای سبک‌پرتاب با صد گره و صد تیغه نیز وجود دارد. درجه مهر میان دو همسر بیست، میان دو همکار سی، میان دو نفر از یک خانواده چهل، میان دو هم منزل پنجاه، میان دو تن از پیشوایان شصت، میان شاگرد و آموزگار هفتاد، میان داماد و پدرزن هشتاد، میان دو برادر نود، میان پدر و مادر و پسر صد، میان دو مملکت هزار و میان پیروان دین مزدیسنا ده هزار است و مهری را که در پیرامون مملکت، در بالای مملکت، در پایین مملکت، در پیش مملکت و در پشت مملکت است می‌ستاییم. مهر خانومان خوب با رامش و سازش به ممالک ایران می‌بخشد. او هرگز فریفته نمی‌شود و در میان آفریده‌ها، توان‌ترین است (۸).

در بخش‌های وندیداد نیز از میثره نام برده شده که مهر در وندیداد فرگرد چهارم به مفهوم عهد و پیمان آمده است، مفهوم عهد و پیمان تکراری بیان دارد که این موارد را ذکر شده مهر دارای کشتزار فراخ و سلاح خوب و براق‌ترین سلاح و فاتح‌ترین سلاح را ستایش می‌کنم (۱۸).

در خرده اوستا نیز نام این ایزد آمده است؛ مهر دارنده دشت‌های فراخ و هزار گوش و ده هزار چشم است (۷).

در تمامی تحقیقات محققان در آیین مهر کل یک شمای کلی از حیوانات در نظر گرفته‌اند و مقاله پیش رو به دنبال آن است تا با توجه به دلایل تفکر حقوق زیستی و مرتبه دینی برای این حیوانات به دنبال جایگاه آن‌ها رفته و نماد هر یک از آن‌ها را در جامعه آن زمان و دین مهری مشخص نماید و با فرضیه‌های قبلی به یک اصل موجود برسد.

اسرار و سلوک در آیین مهر (میتراایسم)

رموز و سیر در آیین مهر (میتراایسم) بدیع، مهم و به خصوص است. اسرار این مسلک با پا فشاری و اصرار حفظ می‌شد و برای معدودی که در درجات عالی ترقی می‌کردند، آشکار می‌شد. به همین جهت نوشته‌ای از آنان در زمینه اسرار دین به دست نیامده است و تنها به جای نوشتن، به نقاشی، تندیسگری و نقش برجسته‌سازی بسنده می‌کردند. دست‌نوشته‌ای در موزه فلورانس در مورد حفظ اسرار آیین مهری محفوظ مانده که ترجمه آن به این شرح است، به نام

خدایی که زمین را از آسمان، روشنایی را از تاریکی، روز را از شب، نظم را از اغتشاش، زندگی را از مرگ، نور را از ظلمات و کون را از فساد جدا کرده، با ایمان و ایقانی راسخ یاد می‌کنم که اسراری را که سراپیون و کامریون، مرشدان پرهیزگار من، هم دینان و برادران من، بر من فاش کردند، برملا نکنم. خدایا وفاداری مرا به سوگندخویش با مرحمت خویش بیامیز و لغزش را لعنت بفرما» و بدین‌وسیله نوآموز می‌بایست سوگند یاد کند که اسرار را فاش نخواهد کرد و از آن به بعد وارد مراحل هفتگانه سیر و سلوک می‌شد (۱۹).

مراحل تشرف به آیین مهر

مراحل تشرف به آیین مهر هفت مرحله و طبقه دارد و از انجایی عدد هفت در آیین مهر دارای جایگاه می‌باشد، عدد هفت ارزش عدد هفت در دین مهر روشن است. سرسپردگان مهری، هفت پایه داشته‌اند. پیر هفت خط یا «پیر مغان» در نوشته‌های فارسی، بسیار آمده است. از سطح مهرابه تا خود مهراب، هفت پله داشت. در نقش‌ها، گاهی هفت سر و گاهی هفت خنجر که روی هر خنجر یک کلاه مهری است دیده می‌شود (۲۰).

از میان اعداد عدد هفت از دیرباز مورد توجه اقوام مختلف جهان بوده است. اغلب در امور ایزدی و نیک و گاه نیز در امور اهریمنی و شر به کار می‌رفته است. در آیین زرتشتی هفت امشاسپندان نزد ایرانیان زرتشتی، توجه و احترام آنان را به این عدد می‌رساند. عدد هفت در آیین مسیحی که الهام‌گرفته از آیین مهر و میتراایسم است و هفت معجزه از سی و سه معجزه مسیح در انجیل یوحنا مذکور است. در آیین مهر عدد هفت اهمیت زیادی دارد. در آیین مهرپرستی، هفت درجه و مقام تقدس قائل بوده‌اند، برای ورود به هر یک از درجات، شستشوی مخصوص لازم بوده است و مأخذ غسل تعمید عیسویان همین است و روز یکشنبه را که مخصوص به خود خورشید بود، مقدس شمرده‌اند. مراد از هر یک از این حالات، نشان دادن تمثیلی روح انسانی است که به اعتباری در وقت تولد و به اعتبار دیگر در موقع مرگ از نردبام درهای هفت گانه بالا می‌رود (۱).

طبقه متوسط مهری در سلسله مراتب شعایر و مراسم آیین، ترفیع رتبه نمی‌یافتند (۱۸).

سبب آن بود که اینان در راه خدمت به پروردگار خود با جدیت بسیار نشان نمی‌دادند یا معلومات لازم و کافی نداشتند، اما کسی که موفق به کسب معلوماتی در زمینه الهیات و نجوم که در مناسک دین مهری نهایت ضرورت را داشت، ترفیع رتبه می‌یافت یا به عبارت دیگر کسی که واجد شرایط می‌گردید، می‌توانست با نظر و تصویب پدر یا پیر مهرابه به به ترتیب کلاغ، همسر، سرباز، شیر، پارسی، پیک یا گردونه خورشید و پیر برسد که هر یک از این‌ها، جایگاه یا پله‌ای از میتراپیسم بود که در اینجا به ترتیب به شرح هر یک می‌پردازیم: (۱۵).

۱- مقام خدمتکاران مهرابه

کسانی که می‌خواستند در زمره پیروان در آینده در زمره زیر نظر پدر مقدس به جرگه مؤمنان پذیرفته می‌شدند. در برخی از پرده‌های نقاشی، کسانی که خود را به شکل کلاغ درآورده‌اند، سرگرم پذیرایی از شرکت‌کنندگان در مجلس صرف طعام مقدس هستند. کسانی که می‌خواستند به این جرگه وارد شوند، ناچار بودند یک سلسله مراسم و تشریفات را به جای آورند. این مراسم را گروینا (یا کراسی ناساکرا) می‌نامیدند (۲۱).

هنگامی که این مراسم به پایان می‌رسید، پدر یا پیر مقدس، آنان را کلاغ مقدس خطاب می‌کرد و این بدان معنا بود که مقام آن‌ها رسمی شده است. صفت مقدس به ارباب سایر مدارج دین مهری هم اطلاق می‌شد، به ویژه به پیر مغان که مرشد جماعت بود. کلاغ، نماد باد هم است و کسانی که در مقام کلاغی باشند، می‌بایست مناسک تشرف به عنصر هوا را انجام بدهند تا مقامشان رسمی شود. از این هنگام بود که آن‌ها در مهرابه‌ها لباسی به صورت پوشش کلاغ می‌پوشیدند و نقاب کلاغ بر چهره خود می‌بسته‌اند و در پاره‌ای تشریفات از صدا و حرکات کلاغ تقلید می‌کردند. در حقیقت این پست‌ترین مقام در به عنصر هند تا مقام‌های کیش میتراپی بود (۲۲).

اگر داوطلبی که می‌خواست به جماعت مهری بپیوندد ناگزیر از مراعات مراسم تشرف بود. ماهیت راسم و تعلیمات برای تشرف به جماعت مهری روشن نیست. معلوم نیست که به نوآموز، اساطیر مربوط به منشأ عالم و آفرینش کیهان و خلق بشر را می‌آموختند یا سرودهای مقدس و نغمه‌های لطیف و یا اصلاحات آیینی را. با توجه به اهمیتی که در دین مهری به حفظ اسرار داده می‌شد، آموزش تمام این مطالب به نوآموز تازه وارد بعید می‌نماید. با این وصف می‌توان پذیرفت که مبادی و اصولی که افشای آن‌ها بدون ضرر می‌نمود به طریق کم و بیش رسمی به آن‌ها تعلیم داده می‌شد. اسراری که در مخفی نگاه‌داشتن آن‌ها کوشش می‌شد بیشتر مربوط به مراسم و مناسک مذهبی بود. در روزی که نوآموزان آیین مهر یا میتراپی می‌خواستند به انجمن تشرف یابند، مراسمی برگزار می‌شد تا بعد از غسل تعمید نوآموزان، آنان را وارد انجمن خود کنند. هنگام اجرای مراسم غسل تعمید، کاهنان ادعیه‌ای را همسرایی می‌کردند و خورشید را به عنوان شاهد و ناظر فراخوانی می‌نمودند. در این مراسم، فرد خواهان اجرای مراسم را طی آدابی به سوگند یادکردن راهنمایی می‌کردند که به طور کامل فرمانبردار و حافظ اسرار گروه و آیین باشد و در اجرا و نگاهداشت قوانین تخلف نکند. ضمن اجرای مراسم سوگند، در حالی که با آب او را غسل می‌دادند، شادباش می‌گفتند و این مراسم، زایش نوین با تولدی دیگر نامیده می‌شد. آنگاه لباسی ویژه به وی پوشانیده و تاجی از برگ و گل و گیاه سرش می‌نهادند و بر چهره‌اش نشان چلیپا یا صلیبی نقش می‌کردند.

بعد از این که مراسم پایان یافت، نوآموز به عنوان برادر سایر راز آموختگان تلقی می‌شد و همچون سایر هم‌دینان، شأن فرزندی مرشد را می‌یافت. مرشد دست‌های وی را مهر می‌زد و خال می‌کوبید تا هویتش معنوم باشد. آن‌ها تا به مرحله شیر یا شیر مردی نمی‌رسیدند، اجازه تشرف رسمی نداشتند، اما چه بسا که در مراسم و برگذاری آداب و تشریفات همگانی به عنوان ساقی و خدمتگزاران خدمت می‌کردند. مدت ماندگاری و توقف هر سالکی در یک مرحله روشن نیست و

۲- مقام پوشیده یا همسر

این مقام، مقام کری فیوس یا کریپ توس (Cryfios) بود که برخی از پژوهندگان، آن را مقام کرکس معرفی کرده‌اند و تحریف‌شده کلمه یونانی کریپس می‌دانند که به معنی مقام کری فیوس یا کریپ توس که به معنای پنهان و پوشیده است، لیکن باید این مقام را مقام پوشیدگان دانست.

گروهی که در مدارج ابتدایی هستند، حق شرکت در مراسم را ندارند و باید با تلاش و جدیت، تعالیم لازم را فرا گیرند تا به مقام بالا راه یابند، هستند، در این مرحله، مهربان واجد شرایط که البته همه مرد هستند، به وسیله پیر مغان به عقد مهر درمی‌آیند. بدیهی است این همسری و زناشویی صرفاً صبغه عرفانی دارد و در تصوف و عرفان اسلامی ایران، این مرحله یکی از درجات سلوک است که به اتحاد خالق و مخلوق تعبیر می‌شود. در سراسر مراسم تشرف در همه مراحل، فشردن دست راست که یک سنت ایرانی است و معنی آن یادآوری وفاداری است انجام می‌گیرد. در انجام این مراسم، صورت همسر را می‌پوشانیده‌اند و رخساره پنهان می‌کرده و سپس با خواندن سرود مخصوص، اجراکنندگان مراسم تشرف، روی او را می‌گشوده‌اند و یا خود همسر، روبند یا چارقد خود را به کناری می‌زد تا چهره به جمع مهری دین بنماید، پس از این‌که همسر در این مرحله به کابین مهر درمی‌آمد و جزء محارم می‌شد و بر رازها آگاه می‌گردید، همراهی را چراغان می‌کردند. مقام همسر منسوب به سیاره زهره و نماد آب بود و علامت مشخصه او، مشعل و چراغ بود. مشعل، چراغ شب زفاف است و آن خود نشانه فروغ جدید است که رابطه‌ای با خدای خورشید، یعنی مهر و میترا دارد (۹).

در مقام دوم، متوجه کلمه نمسفوس می‌شویم، منظور از نمف یا نمفوس‌ها، همسران و زوجگان بوده تصویرهایی که از این همسران یافته شده، چهره‌پوش هستند (۲۳).

نمسفوس‌ها که در پرده‌های نقاشی که چهره‌شان پوشیده و از سوی مقام کری فیوس نیز مقام دوم مستوری و پوشیدگی بوده، اغلب کسانی که در این مقام متسلک می‌شدند، نوجوانانی بیش نبودند که طی مراسمی به وسیله پدر مقدس به میترا معرفی می‌شدند (۲۴).

برخی دیگر معتقدند که همسران کسانی می‌باشند که به اسرار دین و رمز آن آگاه شده‌اند و به وسیله پدران مقدس به عقد میترا درآمده‌اند و این عقد و ازدواج کنایه‌ای است عرفانی از خداوند و بنده مقربش. هنگامی که سرودهای آیینی و شورانگیز در مهرابه‌ها خوانده می‌شد، بایستی دسته همسران و نوازندگان همین نمف‌ها بوده باشند که نمف‌ها در نشان این مقام همواره در غارهای کوهستانی زندگی می‌کردند و کارشان رامش و آوازه خوانی بود و برخی معتقدند آنان همسران میترا بودند که در مهرابه زندگی کرده و نوازندگی و خوانندگی می‌کردند و مشعل یا چراغ در دست داشتند و در پایان سرودخوانی، زنگ زده و صدای ناقوس را بلند می‌کردند و نواختن زنگ نیز از ایران همراه آیین میترا به اروپا رفت، چون یکی از مراسم زرتشتی که در آتشکده‌ها انجام می‌گرفت نواختن زنگ بود و هنوز نیز در آتشکده‌ها، در مواقعی ویژه زنگ می‌نوازند (۲۵).

۳- مقام سرباز

سومین مقام، منصب سرباز بود که کیش مهر و میتراپی صرفاً بر اساس اخلاقیات بنا شده بود، بدین سبب آن‌ها موظف بودند تا به هر شکلی که باشد با شر و بدی مبارزه کنند. سربازان مهر آیین، همواره پیروزی را از آن خود می‌دانستند. این را هم باید اضافه کرد که اصولاً سرباز کنایه از خاک است و منسوب به ستاره داخل‌شدن به مرحله سربازی نیز دارای تشریفات ویژه‌ای بود. کسانی که خواهان واردشدن به مقام سربازی بودند، مجبور می‌شدند از آزمایش‌های دشواری، پیروز و کامیاب به درآیند. این آزمایش‌ها عبارت بود از گور خوابی که بایستی با تحمل گرسنگی و تاریکی و هول و هراسی که برایشان ایجاد می‌شد، انجام می‌گرفت. سرباز چون مدتی در تابوت مصنوعی مانند مرده‌ای می‌خوابید، خنجری خون‌آلود یا تاجی را که به نوک شمشیری آویزان بود، در برابرش قرار می‌دادند (۲۶).

سالک آن را می‌پذیرفت، اما بر سر قرار نمی‌داد، بلکه بر روی شانه قرار می‌داد و می‌گفت: میترا تاج سر من است که سالکان در شرایط سختی با گرگ می‌جنگیدند و دست آن‌ها با روده جوجه بسته می‌شد و در گودال آب افکنده می‌شدند.

علامت و نشان سرباز، جامه و لباس قهوه‌ای رنگ کوله‌پشتی به روی شانه چپ و کلاه خود و نیزه است. کسانی که وارد مقام و منصب سربازی می‌شدند، رسماً از پیروان موظف بودند. ورود به مرحله سربازی، دارای تشریفات فراوانی بود. اصولاً سرباز در رموز آیین میترا، کنایه از عنصر خاک است، چنانکه شیر کنایه از عنصر آتش و کلاغ کنایه از عنصر باد و نمفوس کنایه از عنصر آب است (۳۰).

برای داوطلبانی که خواهان تشریف به مقام سربازی بودند، مراحل آزمایش‌ها دشواری وجود داشته که باید از آزمایش‌های دشوار گذر، کامیاب به درآیند و یکی از این آزمایش‌ها گور خوابی نام داشت. در مهرابه‌ها گودالی به شکل تابوت دیده شده که داوطلبان لازم بود با اگر این مراسم را درست انجام می‌داد، مراسم سوگند سربازی یاد می‌شود که سربازان شاخص میترا شناخته می‌شدند (۱۵).

۴- مقام شیر یا شیرمردی

هر سالکی که از سه مقام می‌گذشت، یعنی از مرحله‌های کلاغ و پوشیده و سرباز، باز هم مجاز نبود تا در حلقه سالکانی در آید که در مراسم رازآمیز آیینی پذیرفته شده و از اسرار آگاه شوند، اما چون از مرحله شیر می‌گذشت و شیرمرد می‌شد، اجازه می‌یافت تا در مراسم شرکت جوید و به نظر می‌رسد که در این مرحله شیرمردی بوده که مرید مهر مهر نشان کرده، در حلقه آگاهان برگشت‌ناپذیر درمی‌آمده است. در پرده‌های نقاشی و سنگ‌های برجسته منقوش، نقش شیر فراوان است و همین عمل سبب شد که بعد از اسلام، به ویژه در زمان سلجوقیان، علامت شیر و خورشید بر پرچم‌ها نقش بسته شود. در این پرده‌های کسانی که به مقام چهارم رسیده‌اند، گاه در حال خدمتگزاری و گاه در حال اهدای هدایا به حضور میترا نشان داده شده‌اند. این طبقه نیز ناگزیر از گذراندن آزمایش‌هایی بودند که البته دیگر تحمل ریاضات و شکنجه‌های بدنی نبود، بلکه باید به ورزیدگی‌های روانی، شایستگی‌های اخلاقی، وحدت ذهنی و خلاصه فهم اسرار دست می‌یافتند.

شیر کنایه از آتش است و روایات رمزی میتراپی، حاکی از آن است که در واپسین روز از عمر جهان، آتش‌سوزی بزرگی

آنان بایستی با دست بسته به هر نحوی که می‌توانند خودشان را نجات دهند. در زمستان باید با پای برهنه روی برف و یخ راه بروند و گرسنگی و تشنگی را بر خود هموار سازند. واپسین مرحله، آزمایش تقدیم تاج بود، تاجی که از شمشیری آویخته بود. این مراسم در سرداب‌های تاریک انجام می‌شد. در این مراسم، سربازان تاج را واپس می‌زدند و می‌گفتند، میترا تاج سرشان می‌باشد. اینجا مرحله پذیرش سالکان صحنه‌گذاری می‌شد و روح نوینی در آن‌ها دمیده می‌گشت. آنان را یکایک در آب فرو می‌بردند. چون از آب درمی‌آمدند، در واقع این عمل به معنای تولد و زایشی نوین برایشان روی داده بود. گذشته‌شان مرده و محو شده و یک سرباز میترا زاده می‌شدند. سربازان پس از پذیرفته‌شدن باید وجه شناخته‌شده‌ای داشته باشند. به همین دلیل یکی از مراسم این بود که توسط پیر، کمربندی جنگی به میانشان بسته می‌شد و او را کمر بسته و سر سپرده می‌گفتند (۲۷).

اصطلاح کمربستگی به معنای سرسپردگی، جانبازی و فدایی، از آن هنگام باقی است. میان عیاران که پهلوانان جوانمرد و جنگاوران پشتیبان بی‌پناهان و ضعیفان بودند، مراسم کمربستن از سنت‌های مهر آیینی باقی مانده است و مهم‌ترین وجه ممیزه آن‌ها، مهر روی پیشانی‌شان بود که پیشانی سربازان را با مهر مهر داغ می‌کردند. ترتولیان یکی از پدران کلیسا می‌گوید که در ملکوت شیطان، او (مهر)، نشانی بر پیشانی سربازانش می‌گذارد. برخی آن را داغی بر پیشانی می‌دانند. با در نظر گرفتن مهری که در مکاشفات یوحنا روی پیشانی یا دست گذاشته می‌شده یا چنانکه از نوشته او گوستین یکی دیگر از پدران کلیسا برمی‌آید. این نشان با خون گذاشته می‌شده و خالکوبی می‌شده است که این رسم همچنان در میان هندیان رواج دارد و بالاخره در واپسین کار و پس از داغ پیشانی، مراسم سوگند انجام می‌گرفت که این مراسم را ساکرامنتوم می‌گفتند (۲۸).

جنگاوران مهر آیین، همواره به پیروزی‌شان معتقد بودند و این نیروی روحی‌شان بود که مهر و یارانش نیز در کنار آنان می‌جنگند و به پیروزی‌شان می‌رسانند (۲۹).

۵- مقام پارسی

مقام پنجم، مقام پارسی بوده است. مقام پارسی گذشته از وجوه رمزی، است که با طبیعت و روییدن گیاهان پیوند دارد و میان پیروان کیش میترا، نشان آزادی و آزادگی بوده است. بی‌گمان مهری دینان، آزادگی و شجاعت را یکی از وجوه مشخص ایرانیان می‌دانستند که آن مقام را پارسی نامیده‌اند (۳۲).

دست‌های کسانی را که به این مرحله رسیدند، طی تشریفات ویژه‌ای، با عسل تطهیر می‌کردند که کنایه از وجود خیر و برکت و ثروت و نعمت در وجود ایرانیان بود و بر سر آن‌ها کلاه فریژی (= فریجی) که میترا بر سر داشت و کنایه از آزادی و آزادگی بود، می‌نهادند.

این سالکان تا هنگامی که در این مرحله بودند در سراسر مراسم، این کلاه را بر سر می‌نهادند. یکی از نشانه‌های ویژه پارسی، جامه‌ای به رنگ خاکستری و نقش هلال ماه و داس بود. در واقع این هر دو با درودروگری و کشاورزی که اساس معاش و اقتصاد ایرانیان را فراهم و تأمین می‌کرد، سازگار است. پارسی مستقیماً از نتیجه کار میترا بهره‌برداری می‌کرد، چون با قربانی گاو، گیاهان و ساقه‌های نباتی می‌روییدند، پارسی با داسش، ساقه‌های خوردنی را درو کرده و برای تأمین معاش انبار می‌کرد (۲۴).

مطابق با زمینه اعتقادی در ایران باستان، ماه سرچشمه عسل بوده است. پس از کشته‌شدن گاو، نطفه‌اش به ماه رفته و در آنجا تطهیر می‌شد و همین نطفه بود که موجد قوام و رویش گیاهان و سلامت و ازدیاد چار پایان می‌شد. پس ماه، نگاهبان گیاهان و چار پایان است و نشان ویژه مقام پارسی است و سرچشمه عسل است.

هنوز هم در ایران این عقیده کهن به ویژه میان کشاورزان باقی است که نور ماه در رویاندن و به ثمررساندن گیاهان و میوه‌ها تأثیر به سزایی دارد، در نمادهای گیاهی گل و گیاه نیلوفر از نمادهای مشهور مهری از نمادهای گیاهی است که با آب سر و کار دارد و روی سطح آب می‌روید که مادر مهر از تخمه‌ای که در آب است آبستن می‌شود و میترا را می‌زاید (۲۳).

رخ خواهد داد. در این آتش‌سوزی ناپاکان خواهند سوخت و پاکان چونان که در چشمه‌ایی شستسو کنند، آسایش خواهند داشت و همه ناپاکان در آتش می‌سوزند، اما نیکان و پارسایان بر جای می‌مانند. شیر چنانکه اشاره شد، نماد آتش است و آتش نیز نماد خورشید: پس این بیان که خورشید پاک‌کننده همه چیز است، همان است که آتش همه را در پایان جهان و فَرَشکرَد، یعنی در دورانفَرَشکرَدسازی پاک می‌کند (۹).

چون آب و آتش بر ضد هم هستند و مقام شیر از پاک‌ترین پله‌های میتراپی به شمار می‌رفت، به جای آب، تعمید شیرمرد با عسل انجام می‌شد. عسل از شیر گیاهی که از تابش خورشید عمل آمده درست می‌شود، به همین جهت در آیین میتراپی عسل با خورشید نسبت مستقیم داشته و آن را خورشید مجسم و نماد آن می‌پنداشتند. نشان این مقام، جامه‌ای ارغوانی‌رنگ، کفگیر برای زیروروکردن آتش و بیلچه است (۳۱).

پس هنگام غسل‌دادن به جای آب، عسل روی دست شیر ریخته می‌شد و این نکته حاکی از این بود که دست شیر باید پاکیزه از هرگونه پلیدی، شر و جنایت باشد.

بر همین منوال، زبان شیر را با عسل می‌شستند و بدین طریق، او را از هرگونه گناه می‌کردند. علاوه بر این، سالک شیرمرد را با لباس‌هایی ویژه و تشریفاتی در گوری که اغلب در انتهای تالار عمومی و مدخل مهرابه قرار داشت، چون جنازه‌ای دفن می‌کردند. به روی سنگپوش گور، نی‌هایی تعبیه شده بود که خون قربانی به وسیله آن‌ها داخل گور و به روی سالک گور خواب ریخته می‌شد. آنگاه در وقتی معین، سر پوش گور را برمی‌داشتند و سالک با لباس‌های آغشته به خون بیرون می‌آمد یا رستاخیز می‌کرد و به جهان نو و تازه‌ای وارد می‌شد و از نوعی تقدس برخوردار می‌گشت و این نوعی ورود به جهان نور بود، جهانی که از آن میترا محسوب می‌شود.

برخی اشارات حاکی است که در این مراسم، سالک به عنوان یاد بود و افتخار و تقدس، آن لباس مقدس را نگاه می‌داشت و پس از بیست سال اگر در قید حیات بود، با همان لباس، چنان مراسمی را تکرار کرده و از مقام و تقدسی مضاعف برخوردار می‌شد (۳۱).

گاو و نان و شراب را صرف کردند و پس از آن با گردونه خورشید به آسمان رفتند (۳۴).

در این مقام نیز مانند مقام شیر، سالک نیازی به غسل و شستشو نداشت و وظیفه پیک خورشید در مراسم دین مهری، نمایندگی خورشید بر روی زمین بود که خود تحت حمایت این خدا قرار داشت. علامت مشخصه وی، تازیانه، هاله و مشعل بود. در نقوشی که از او به جا مانده است، دیده می‌شود که وی در میان جماعت مهری نشسته، جامه‌ای سرخ به تن دارد، با کمربندی زرین به کمر و گوی آبی‌رنگی در دست و دست راست خویش را بلند کرده است تا بدین‌وسیله به پیر سلام کند (۱۱).

۷- مقام پیر، پدر

این مقام، والاترین مرحله واردشدن برای یک سالک میتراپی بوده و آن را مقام پتر یا پدر و پدر پدران می‌نامیدند. پدران در حقیقت عالی‌ترین مناصب را در کیش میتراپی داشتند و همین لقب را عیسویان از مراسم میتراپیان اقتباس کردند و به رهبران مذهبی خود پاپ می‌گویند که عالی‌ترین مقام مسیحیان کاتولیک است. پدر در آیین مهری، نماینده میترا بر روی زمین محسوب می‌شد. از این رو جامه‌اش نظیر جامه خود میترا بود.

صاحب این مقام، پیر مریدان و آموزگاری مقدس بود که مراقب منافع جماعت مهر بود. او حکیمی بود انسان‌پرور که علامت مشخصه فرزاندگی‌اش، داس، کلاه فریجی، عصا و حلقه بود. حلقه او معرف حکمت و خردمندی و حلقه عهد و پیمان است. او از طرف متدینان دین مهری شرعاً به این منصب برگزیده می‌شد و امور مربوط به تشریف به آیین را رهبری می‌کرد. مرشد، مسئول انتخاب اعضای جدید و به کار آشناساختن نودینان به امور مذهبی بود. وی در عین حال اطلاعات کافی در زمینه ستاره‌شناسی داشت. این امر موجب تعجب نیست، زیرا می‌بینیم که تمام دین مهری، مملو از اعتقادات نجومی است و نمونه آن، قراردادن هفت مقام سیر و سلوک تحت حمایت هفت ستاره است (۱۱).

مقام پیر منسوب به سیاره زحل بود. او دانای اسرار، مرشد اعظم و روحانی بزرگ به شمار می‌رفت و همه امور مهرابه از

فر فریدون به بن بوته نی نشست و به میانجی شیر گاوی که آن نی را خورده بود، به مادر فریدون رسید و سرانجام به مادر فریدون و از مادر به فریدون درآمیخت. همچنین گوهر تن زرتشت به میانجی آب و گیاه به او راه یافت. بدیهی است گیاهی که در خور نگهداری فر سوشیانس در دریاچه باشد، همان گل آبی نیلوفر است. نیلوفر از سویی با آب، از دیگرسو با خورشید در رابطه است. درباره نیلوفر گویند که با آفتاب سر بیرون می‌آورد و باز با آفتاب فرو می‌رود. هخامنشیان که به میترا دلبستگی فراوان داشتند، از شاخه و گل و برگ نیلوفر (لوتوس) که نماد میترا بود، در آرایش ساختمان‌های تخت جمشید که بی‌گمان جنبه مذهبی و پادشاهی مینویی داشت، سود فراوان جستجاند و در جشن مهرگان آمده که موبد موبدان در خوانچه‌ای که روز جشن نزد شاه می‌آورد، گل نیلوفر در آن می‌نهاد. همچنین پارچه جامه‌های شاهنشاهان هخامنشی با نقش گل نیلوفر آرایش یافته که پیداست، همچون رنگ ارغوانی ویژه شاهنشاهان بوده است. علاوه بر این روی جام‌ها و ساغرهای زرین و سیمین و ستون‌ها و حاشیه‌ها و بیشتر بخش‌های ساختمان‌های پادشاهی از این گل سود جستجاند. در طاق بستان بیرون کرمانشاه با چشمه کوچک زیبایی که جلوی آن است و همیشه در کنار یادمان‌های مهری دیده می‌شود، پیکر مهر با پرتو خورشید دور سر او بر سنگ تراشیده شده که روی گل نیلوفر ایستاده است (۳۳).

۶- پیک خورشید

مقام پیک یا گردونه خورشید ششمین مقام، منصب خورشید است، ولی در حقیقت نماینده خورشید است. میترا و خورشید روابط بسیار نزدیکی با هم داشته‌اند. آنقدر به هم نزدیک هستند که مهر، پرتو خورشید معرفی شده است. رومیان، خدای خود را به جای خورشید ایرانی نهادند. بنا به باور آنان، میترا پس از تولد، همه موجودات را رام کرده، آنگاه با خورشید زورآزمایی نمود و او را به زیر فرمان خود در آورد و رابطه بین آن دو بسیار صمیمی و دوستانه شد.

میترا و خورشید پس از کشته‌شدن گاو، در مجلس تودیع پذیرایی، در کنار هم و در میان گروه پیروان، گوشت و خون

نظرش می‌گذشت. بالا بردن درجه‌ها و آزمایش‌های راهروان راه میترا با نظر وی انجام می‌گرفت و کارهای دینی را شخصاً انجام می‌داد (۲۰).

نگاهی اجمالی به نمادهای خورشید، آب، سپیده دم و چلیپای شکسته در آیین مهر و میتراایسم

در ایران باستان و پس از آن در پشت تخت سلطنت پادشاهان ایران، آنجا که تکیه‌گاه بود، خورشید مرصع و گوهر نشان می‌ساختند و به آن شمس می‌گفتند. همچنین تاج پادشاهان ایرانی دارای شمس‌های از جواهر بود و به این شمس، گاه نیمه‌ای از خور را با شید، یعنی پرتوهای نور نشان می‌داد و گاه خور را به صورت قرص کامل نمایان می‌ساخت. این نشانه از آیین مهر به جا مانده بود و خور در آیین مهر مقام و منزلت ارجمندی داشت و در واقع نماینده آفریننده بود. بسیاری از طوایف به خصوص سامی‌ها که با آیین مهرپرستی آشنا شدند، نتوانستند مفهوم واقعی و فلسفه عمق مهر را دریابند و به ظواهر این آیین پرداختند و نزد آن‌ها شمس اخور مظهر شد و آن را پرستش کردند. نقش آفتاب در پشت تخت سلطنت، یادآور مقام فرمانروایی مهر است و نیز نقش آفتاب بر تاج نیز نمونه‌ای است از تاج مهری با مظهر آنکه خورشید است (۱۲).

از همه روایت‌ها درباره نگاهداری تخمه زرتشت در آب و بارور شدن دوشیزه (ناهید) در دریاچه هامون، همبستگی دین مهر با آب پیداست و سرودی که در اوستا برای گرامیداشت ناهید است، آبان یشت خوانده شده است. چشمه یا چاه آب یا تالاب و برکه همیشه جزئی جدانشدنی از پرستشگاه‌های دین مهر هستند و به طوری که می‌دانیم در مهرابه‌ها یا چاه آب وجود داشت و یا چشمه‌های جوشان. از آداب مهردینان، شستشو و غسل بود و برای شرکت در مراسم ستایش مهر، افراد ملزم بودند تا مدت چند شبانه‌روز، مطابق با آدابی خود را شستشو دهند و متحمل ضربات تازیانه گردند. علاوه بر این، علت اصلی اهمیت فوق‌العاده‌ای که برای شستشو در رم قائل می‌شدند، همین اعتقاد به میترا بود. در روم، گرمابه‌های بسیار باشکوهی وجود داشت که جنگاوران رومی برای ورود به مهرابه‌ها نخست به این گرمابه‌ها داخل شده و مراسم غسل و

شستشو را به جای می‌آوردند. در آیین میتراپی، سپیده‌دم و صبحدم، هنگام ستایش و نیایش است (۳۵).

چون خورشید برآید، مغان به ترنم خورشید نیایش و مهر نیایش می‌پردازند. از دیگر سو آداب تشریف و سوگند یادکردن و پیمان وفاداری بستن نوآموزانی که به سالک سالکان میتراپی می‌پیوستند، در صبحدم برگزار می‌شد و طی مراسمی، در این هنگام از آغاز روز، نوآموزان پس از گذراندن آزمایش‌ها، سوگند وفاداری به مهر می‌بستند و تشریف می‌یافتند (۸).

دل‌بستگی مهربان به رنگ سرخ و ارغوانی برای آن بود که سرخی بامدادی پیش از برآمدن آفتاب را مظهر جلوه ایزدی مهر می‌دانستند. مهر خود شنل سرخ و کلاه سرخ دارد. کوت، ایزد سمت راست مهر در نقاشی‌های دیواری، پوشاک سرخ به بر تن دارد و رنگ ارغوانی و سرخ و گلرنگ در لباس کاردینال‌ها و کشیشان مسیحی یادگاری از تشریفات مهری است (۱۹).

چلیپای شکسته یا صلیب یک نشانه و نماد باستانی است که میان مردمان گوناگون و در زمان‌های گوناگون معناهای مختلفی داشته است و آریایی است و در ایران و هند پیشینه دارد. چلیپا نخستین بار در حدود خوزستان یافت شد و مربوط به پنج هزار سال قبل از میلاد می‌باشد و مرکلباخ آن را گردونه خورشید نامیده است (۳۵). چلیپا یکی از نشان‌های مهری بود که مهرپرستان با خود داشتند. سربازان مهری روم، نشان چلیپا روی پیشانی داشتند (۲۰). اکنون نشان ویژه مسیحیت است. در دین مهر نماد آشتی و برادری است، امروزه صلیب، نشان ویژه مسیحیت شده است و آن را نشان چلیپایی می‌دانند که عیسی را بر آن به دار کشیدند، اما در واقع متعلق به مذهب مهر است و آن نشانه اتحاد و یگانگی در آیین مهر است. نقوشی از این نماد و صلیب شکسته که به هرسو می‌توان آن را گرداند، در آیین هندو با خورشید و نیز با «گانشه»، رب‌النوع از میان بردارنده موانع و راهگشا که تندیس او را در تقاطع جاده‌ها قرار می‌دادند، پیوند دارد و چلیپای شکسته، نماد نیکبختی در آیین هندوست (۱۶).

جایگاه حقوق زیستی حیوانات در آیین مهری

۱- نقش گاو

اسطوره پرمعنی ذبح گاو، بیان ماجرای دقیق آغاز تمدن است. چنین ماجرای میان جوامع چوپان و کشاورز که زندگیشان وابسته به دام و فرآورده‌های دامی بود، به روایاتی چند شکل گرفت، اما آنچنانکه امروزه و در زمان ما، گمان می‌رود که نوعی خشونت و ناشایستی در این رویداد بوده، چنین نیست، بلکه حادثه‌ای بوده که با بزرگی و غرور از آن یاد و برای ایزد مهر، یک کردار قهرمانی محسوب می‌شد (۳۶).

قربانی گاو، مرکز مراسم دینی در آیین میترا و مظهر پیروزی بر طبیعت حیوانی انسان و حیات به واسطه مرگ است و گاو نر به همراه شیر نماد مرگ می‌باشند. در متون پهلوی از میراندن گاو توسط اهریمن که موجب گسترش حیات و زندگی می‌شود، یاد شده است، اما در آیین مهری، این کار به صورت مشخصه‌ای بنیادی، به میترا نسبت داده شده است (۸).

پیوست میان آیین هئومه / سئومه یا هوم و آیین قربانی گاو و مراسم و جشن‌های وابسته به آن حائز اهمیت است. سئومه خدای زندگی و آب حیات است. وی همان بارانی است که از پیمان‌ها پر ماه به زمین می‌ریزد و از این شیریه حیاتی انسان و حیوان تغذیه می‌شوند. نرینه‌ها از انسان و حیوان، این شیریه حیاتی را به دانه و مادینه‌ها به شیر تبدیل می‌سازند، اما چون انسان و حیوان بمیرند، این شیریه حیاتی دوباره به پیمان‌ها ماه برمی‌گردد تا این ساغر لبریز شده و باز هم به زمین سرازیر شود. سئومه چون هئومه اوستایی قرینه و رساننده مفهوم ماه بوده که با نماد یک گاو نمایان می‌شود. در اوستا نیز میان ماه و گاو رابطه برقرار است و میان نور ماه و رویش و نمو پیوستگی هست. گئوش اورون یا گوهر آفرینش (که به اشتباه روان گاو معنی شده) و نطفه پالوده گاو اِوگدات به ماه می‌رود و از آنجا به رویش و نمو و ساری‌ساختن جریان زندگی یاری می‌نماید. در گوشه سنگ‌نگاره‌های میتراپی که نمایش‌دهنده صحنه قربانی گاو توسط میتراست، نقش سر گاو نمایان است که شاخ‌هایش به صورت هلال ماه می‌باشد.

پورفیریوس (Porphyrius) در کتابش همان تفسیری می‌کند که در منابع کهن اوستایی ودایی نقل است. لومن نیز

ریشه‌ها و تفاسیر آن را در ریگ ودا نشان داده است. گاو با ماه یکی هست. ماه سرچشمه زاینده‌گی و زندگی به روی زمین است و بر آن نظارت می‌کند (۳۷).

تغییر و تبدیل میترائیسم در کشتن گاو، بازمانده چنین مراسم و اساطیری است و در این آیین در حالی که سئومه هئومه از میان رفت، وجه کنایه‌اش باقی ماند. میترا هر ساله طی مراسمی گاو مقدس را می‌کشد تا از خورش آب حیات درون پیمان‌ها ماه بر زمین جریان یابد و رستاخیز طبیعت حادث گردد. گاو شکل تمثیلی ماه و ماه بنیاد هستی گاو را القا می‌کند، چه در قالب و گونه‌های کهن و چه در نگارینه‌های میتراپی و باقی تصویر میترا در حال قربانی کردن گاو، در دو گوشه خدای خورشید و ماه که در میان هلال شاخ گاو است، تجسم بخشیده شده است. ماه نیز چون خورشید موجب رویش و بالش بود. میان گاو و هئومه نیز رابطه بود. گاو گاه خود هئومه بود. گاو و ماه مظهر نم و آب بودند که این رطوبت تراویده از ماه با تابش زندگی‌بخش خورشید، موجب رویش گیاه و هستی‌یافتن هئومه می‌گشت (۳۶).

در ایران باستان، مهرگان جشن آغاز زمستان بود که با تغییر و تبدیل فصول وابستگی دارد. در روایات پهلوی قتل گاو نخستین، کنایه از آغاز بهار و فصل رویش گیاهان و جنبش و زندگی است، چون از روان شدن خون گاو بر روی زمین بود که گیاهان روییدند و جانوران پیدایی یافتند. همچنین دُم گاو مرکز نیرومندی و برکت است که از آن خوشه‌های گندم می‌رویند. از سویی دیگر اشاره به وجه کنایت‌آمیز گاو نیز لازم است، چون در اسطوره گئوش اورون در این باره با تفصیل و شواهدی که ارائه شده، محقق است که گاو و نقش گاو، اشاره است به زمستان، در حالی که نقش شیر وجه کنایی از تابستان است.

در نقوشی که از ایام کهن در این باره به دست مانده و گاه شیری در پیکار بر گاو غلبه یافته و گاه گاوی بر شیر، اشاره به سپری شدن زمستان و غلبه تابستان یا فرارسیدن برج اسد (= شیر است و یا بالعکس... در یکی از نقش‌ها، گاو پیش از دستگیری، در زورقی فراز مهرابه قرار دارد و میترا بر فراز صخره‌ای با خنجر آخته درصدد دستگیری اوست. زورق کنایه

از ماه می‌باشد و گاو که نطفه تکوین و آفرینش است، در میان آن واقع است. مهرابه کنایه از خورشید است. پس گاو در زورق بر فراز معبد، کنایه از حضور ثور در برج خورشید می‌شود که معرف آغاز بهار، نشانه رستاخیز طبیعت و تجدید حیات و آفرینش مجدد است (۳۸).

اهریمن می‌خواست آفرینش نیک را از میان ببرد و آفرینش بد را به ثمر رساند، اما میترا گاو را به خاطر نجات آدمیان و رستاخیز و افزونی و برکت و رویش و بالش می‌کشد. به همین جهت است که خود را نجات‌دهنده می‌نامد، یعنی با مرگ گاو است که رستاخیز حیات تجدید می‌شود و در اغلب این نوع اسطوره‌ها، بیان و تفسیر همین است، یعنی مرگ و رستاخیز، موضوعی که هر ساله تجدید و مراسم کشتن گاو نیز در آغاز بهار برگزار می‌شود. به بیان و تفسیر کومون، گاو مقدس در حقیقت رمز وجودی خود میترا می‌باشد که خود را می‌کشد تا دوباره زنده شده و رستاخیز کند (۱۵).

علاوه بر تندیس‌های فراوان، در مهرابه مریدا، نقش برجسته‌ای یافت شده که از دیدگاه کنایت‌آمیز، شایان توجه است و نقش گاو در آن بسیار پراهمیت است. سه نفر در این نقش مشاهده می‌شود که در برابر میز خوراک مقدس (= میزد) به صورت یک پهلوی دراز کشیده‌اند و روی میز خوراک نان و یا به احتمال گوشت دیده می‌شود. در دو طرف این نقش، تصویر محو و نامشخص دو نفر وجود دارد. در سوی چپ صرف‌کنندگان طعام مقدس، فرد دیگری دیده می‌شود که به میز نزدیک می‌شود و یک سینی در دست دارد که در آن سر گاو است.

در همین صحنه، زاده‌شدن میترا به نمایش درآمده است. با توجه به نظر کومون، گاو نماد مهر است که برای نجات بشر قربانی می‌شود تا سالکان و رهروان از گوشت و خون او بخورند و بنوشند تا به وجود خداوند زنده بمانند و خداوند در آن بپاید. در نماد خوراک بر سفره، سر گاو و زایش مهر نیز روشن می‌شود. بر اساس معتقدات میتراپی، گاو مقدس در آخر زمان و روزگار رستاخیز، دوباره به زمین بازمی‌گردد و مهر در آفرینشی بزرگ، همه مردم را حیاتی نوین می‌بخشد و نیکان و بدان را با سنجش اعمال و کردارشان جدا می‌کند. پس گاو

مقدس (= گاو هدیوش) را قربانی کرده و از چربی حیوان و شربت هئومه، معجون متبرکی ساخته که با نوشیدن آن همه نیکان جاویدان می‌شوند و اهریمن و پیروانش به آتش آخر زمان می‌سوزند و نابود می‌گردند. در میان حیوانات تنها گاو است که ذبح و کشته می‌شود (۱۸).

فدیه اصلی در آیین یسنا، هوم است که در اوستا تا حد زیادی مستلزم قربانی کردن حیوانات بوده است. جم با قربانی گاوی گوشت آن را به مردمان داد و آن‌ها را به تن بی‌مرگ کرد. تنها تن کسانی که گوشت قربانی جم را خوردند، بی‌مرگ شد. شاید بتوان گفت که تلفیق مراسم قربانی و هوم، عملی جهت دستیابی به بیماری تن و روان بوده است که نمونه‌ای از قربانی گاو هدیوش توسط سوشیانس است که از چربی آن، هوم سفید بی‌مرگ‌کننده فراهم خواهد شد (۲۶).

احتمالاً در زمان باستان به رهسپاری روان حیوان قربانی‌شده از پایین به بالا و به سوی آخرت همانند روان انسان باور داشتند. در ایران باستان معتقد بودند که روان حیوان به گوشورون می‌پیوندد. قربانی خونین، ایزد گوشورون را که نگاهبان همه جانوران سودمند روی زمین و یاری‌رسان در پرورش آنان است، نیرو می‌بخشد. گئوش اورون، یعنی روان گاوی، موجودی آسمانی است که نمایانگر روان‌های همه جانوران قربانی شده است. همچنین او روان گاو ازلی است که از او همه گونه‌های زندگی حیوانی آفریده شد (۸).

زمانی که میثرس گاو را می‌کشد، منی از گاو در حال مرگ بیرون می‌آید و خوشه‌های گندم از دم او روییده می‌شود. کومون درباره ارتباط این داستان با داستان کشته‌شدن گاو ازلی در بندهش بر این باور است که این داستان گونه مهری از کشتن گاو ازلی توسط اهریمن است، اما آیا می‌توان گفت کدام یک از این دو داستان اصلی است (۳۷).

درباره کشتن گاو نیز این عمل از میثره به اهریمن منتقل شده است. احتمالاً از دلایلی که گاو از اهمیت بسیاری در قربانی حیوان برخوردار است، اهمیت نماد دینی آن در ارتباط با نخستین قربانی گاو یکتا آفریده است. گاو مقدس که به نشانه و نماد گاو نخستین یا گاوِ اَوگدات قربانی می‌شد، تکرار حادثه‌ای است که به موجب آن، نخستین جانوری که توسط

عنوان شده‌اند. این جانوران فرستادگان اهریمن‌اند و کسی که آن‌ها را از میان می‌برد، کار نیکی انجام داده است. بنا بر متون مقدس ایران منی به سمت ماه بالا می‌رود و پالوده می‌شود و سپس از آن همه جانوران پدید می‌آیند و در تمامی تصاویر مربوط به قربانی گاو، کژدمی به اندام تناسلی او چسبیده است. بیان نمادین این عمل روشن است. بیضه‌های گاو منشأ و منبع نیرو و تولید مثل و چرخش مکرر سال بانعمت و برکت است. به همین جهت است که کژدم، این خرفستر و زیانکار از سوی اهریمن مأمور است تا هنگام قربانی‌شدن، بیضه حیوان را با زهر آلوده و نیروی ساری و منتقله او را مسموم و تباه کند. سرانجام می‌توان گفت که عقرب نماد مرگ و جهان زیرین است، در حالی که کوتوپاتس دژم و با چهره‌ایی منقبض تصویر شده، راهنمای ارواح شریان است به دوزخ و زیرزمین و به همین جهت مشعل را واژگون به سوی زمین نگاه داشته تا ارواح شریر را به دوزخ راهنمایی کند. در دین زرتشت عقرب یکی از خرفسران (موجودات اهریمنی) است و زرتشتیان برای زدودن گناه از خویش و یاری به اهورا، خرفسران را می‌کشند (۴۱).

نماد سرباز همانند این مقام عقرب است، چون در متن‌های کتیبه‌ای، سرباز در لَوایِ حمایت مارس قرار دارد و در منطقه‌البروج، مارس با تصویر عقرب نشان داده شده است. باید توجه داشت که در اساطیر رومی، مارس خدای جنگ است. در برخی تصاویر دیواری، سالک آزمون‌شونده را می‌بینیم که در پشت وی نقش عقربی هراس‌آور نقش شده است. در این آثار به صورتی کنایت‌گونه، سالک جای نشین گاو شده که مورد حمله عقرب قرار دارد (۴۲).

این مهرابه‌ها متعلق به محافل مخفیة میترایی رومی بودند که احتمالاً از بازماندگان آن دسته از پیروان مهر بودند که بخشی از آیین‌شان ممنوع شده بود و به اجبار، مجامع سرّی تشکیل می‌دادند. در مجموع این سه مهر مؤید ارتباط نزدیک عقرب با فرّ و آیین مهری هستند: در اولی نقش عقرب با دو بالک ترکیب شده است که حاکی از همسنگی عقرب با نمادی از فرّ است؛ دومی به نام «مهرگ» است و به مناسبت این نام، نقش عقرب تنها نیز بر آن حک شده است (۴۳).

مزدا آفریده شده، مورد هجوم اهریمن قرار گرفته و می‌میرد. آنگاه از جسد آن گاو نخستین، آفرینش صورت می‌گرفت. پس گاو نخستین مظهر قدرت، نیرو، برکت، زندگی و زاینده‌گی بود. مهر نیز در بزرگ‌ترین کارش، گاو مقدس که باید هستی از پیکره مرده و قربانی‌شده‌اش از قوه به فعل درآید، را دستگیر کرده و قربانی می‌کند. در این بین کژدم به بیضه حیوان می‌چسبد تا اندام تولید او را به سم آلوده و تباه کند. در بخش‌های دیگر از نقش مار و سگ یاد شده است (۳۹).

۲- نقش مار

در نقوش مهری مار و سگ هر دو از خون گاو می‌خورند و نزاعی میان آن‌ها نیست، در ذبح گاو نقش مار و سگ در باور ایرانیان مار موجودی دوگانه است که هم خوب است و هم بد، اما سگ کاملاً ارزشمند است و موبدان مجاز به کشتن انسان و سگ نیستند. همچنین در نقش شکار، سگ میثرس را همراهی می‌کند. سگ و مار با خوردن خون گاو نیروی آن را در خود جذب می‌کنند. در برخی نقوش مار همراه میثرس دیده می‌شود و نمی‌تواند موجودی بدکار در آیین مهر باشد. در تمامی آثار باقی‌مانده که در آن‌ها مهر بر گرده گاو سوار است و دشمن خود را در کتف او فرو کرده حیواناتی چون سگ، مار، عقرب و در بعضی نقوش شیر و کلاغ، به چشم می‌خورند. سگ و مار خون گاو را می‌لیسند و عقرب سعی در گزیدن تخم گاو دارد. در شاخه غربی آیین میتر، به طور کلی عناصر طبیعت، به خصوص آتش، خورشید، ماه، ستارگان، گیاهان، باد، اشکال سماوی، فصول و هفت روز هفته که مطابق با هفت ستاره‌اند، مقدس هستند (۱۱).

۳- نقش عقرب

نقش عقرب در سه مهر ساسانی بیانگر جنبه‌های مختلف حضور و دوام جنبه‌های ممنوعه و تقدس آیین مهری کهن را تأیید می‌کنند، زیرا در آیین زرتشت، عقرب خرفستر، یعنی از حیوانات پلید و مستوجب کشتن است و بر عکس در مهرابه‌های رومی، از عناصری است که مهر را در حمله به گاو یاری می‌کند (۴۰). شاید بتوان گفت که در نقوش مهری عقربی که به بیضه گاو حمله می‌کند، با اهریمن قابل قیاس است. در بندهش عقرب، مار، مامولک و وزغ جانوران بدکار

جانوران زیانکار یا به اصطلاح اوستایی خرف‌ستران مار و کژدم هستند. در میان پیروان آیین مهری قربانی، باده‌گساری و سوره‌های همگانی از گوشت متبرک حیوان مقدس که بیان نماد اصلی آن یکسان‌سازی خود با قدرت باروری و توانمندی حیوان الهی بود، رواج داشت، اگرچه برخی سنت و نوع قربانی‌کردن گاو و یا گاوکشی را رسمی سنتی از ایران که جزء جدانشدنی آیین بوده است، ندانسته و برآنند که تحت تأثیر مراسم شرقی که به ایتالیا نفوذ کرده و برخی مراسم گاوکشی در آیین‌های سیبِلِه (Cybel) و آدونیس (Adonis) و آتیس (Attis) و جز آن شکل گرفته است. قربانی گاو، گوسفند و پرندگان در قالب مکرر و فراوانش در مدارک مکتوب کهن چون اوستا و وداها موجود است، حتی در هند، ایزد دورگا (Durga) را همچون مهر در حال قربانی‌نمودن گاو ملاحظه می‌کنیم که نقش برجسته شایان توجهی از آن ارائه شده است. در همین گاوکشی جهت شکل‌گرفتن مراسم نمادین آیین مهری که نوشاک هئومه و پاره‌های گوشت گاو قربانی می‌شد و همه حاضران در آن هم‌خوراک و هم‌بهره می‌شدند، نشانه‌های روشن باورهای توتیمیک وجود دارد و از آنجا که گاو تمام مایحتاج زندگی اعم از پوست و گوشت و شیر را تأمین می‌کرده، لذا از جایگاه بالایی برخوردار بوده است (۴۴).

۴- نقش سگ

سگ در ادیان باستانی مهر همواره نشانگر وفاداری، پاسداری و نجابت از علامت‌های مشخصه این حیوان است که همراه مهر، در مقام نگهبان همراه این نطفه به ماه می‌رود. آگاهی سگ از دنیای دیگر و همچنین زندگی انسان باعث شد که سگ را قهرمان تمدن ساز و اغلب صاحب یا فاتح آتش و نیز نیای اساطیری انسان به شمار آورند، که این مفهوم آخر، معنایی جنسی را در بر دارد. در اروپای عصر پیش از مسیح، سگ شکاری نماد باروری و بهار پنداشته می‌شد. رومی‌ها آینده را از حرکات او پیشگویی می‌کردند و گوشت او مقدس به شمار می‌رفت و خوردنش برای آدم‌های عادی منع گردیده بود (۱۸). سگ همراه مهر و میترا در همه مهرابه‌ها، وجه مشترک، نقش برجسته کنایه آمیز قربانی کردن گاو است. اصولاً کشتن گاو، بیان وقوع مسأله آفرینش و پیدایش زندگی

است. نماد پیچیده سگ، در نظر اول وابسته به عناصر سه گانه خاک، آب و ماه است، با مفاهیم پنهانی و زنانه که هم نباتی و جنسی است و هم پیشگویانه و بنیادین، هم به معنی ناخودآگاه و هم به معنی نیم آگاه. اولین کاربرد اسطوره‌ای سگ که در سراسر جهان گواهی شده، وظیفه راهنمایی ارواح است، سگی که در طی زندگی همراه کسی بوده است، پس از مرگ نیز به ملازمت او ادامه می‌دهد و بین مرده و ایزدان جهان زیرین نقش میانجی و مترجم را بازی می‌کند (۵۵).

آنها از مردگان و از خدایان زیر زمین، راجع به قلمروشان، سؤال می‌کنند و برای زندگان خبر می‌برند. کمابیش تمامی هادیان بزرگ ارواح، و تمام نشانه‌های مسیر مرگ در تاریخ میتراپیسم، صورت سگ را به وام گرفته‌اند. میترا نیز در پیمودن راه به سوی طبقات بالای آسمان، ارواح نیک را یاری می‌دهد (۴۴).

همه این موارد، با تحلیل و تفسیر اندکی، با موارد ودایی قابل قیاس و تطبیق است و از ایران به اروپا رفت، اما رمزها و ابهامات تازه‌ایی بر آن افزوده گشت. در نقاشی اروپایی، مهر سوار گردونه چهار اسبه خودش در حال تاخت است و دو خدا را در جانب راست و چپش به جای دو ایزد سروش و رشن اوستایی نقاشی کرده‌اند، اما در جانب راست به جای سروش هرمس مرکور (Mercur) را گذاشته‌اند که عصایی از چوب به دست و تاجی با دو بال افراشته بر سر دارد و این نشان خدای مذکور است. پس خروس سروش جای خود را به مارهای مرکور داد (۱۴).

سگ و مار با هم خون گاو را می‌لیسند. ما می‌دانیم که به موجب وندیداد، مقام سگ و انسان یکسان است و گذشته از وندیداد، در آیین مزدایی سگ حیوانی است اهورا آفریده و یار و مددکار انسان است (۴۵).

سگ و مار نیز خود را به محل ریزش خون گاو می‌رسانند تا آن را بمکند. سگ، خون گاو را می‌لیسد تا از خواص بالندگی و جاودانگی آن بهره‌مند شود و مار که سمبل زمین است، خون او را می‌مکد تا بارور شود و به آبستنی و تولید برسد و موجب خیر و برکت و فزونی شود. میترا نیز با قربانی کردن گاو، هویت خود را روشن می‌کند. میترا آفریننده

است که طبیعت را پی در پی بارور می‌کند و رستاخیز را موجب می‌شود تا از این طریق برکت و افزونی و نیکی‌بخشی برای بشریت فراهم گردد (۸).

نمونه کامل این افسانه در اساطیر ایرلندی در سرگذشت یمیر وجود دارد. آنچنانکه او غولی پنهان است که خود از کوه‌های یخ زاده شده و سپس از بازوی او یک مرد و یک زن زاده شدند و آنگاه یمیر به دست اودین و یارانش کشته شد و از گوشت او زمین، از خونس دریاها و رودها، از استخوان‌هایش کوه‌ها، از دندان‌هایش صخره‌ها و از مویش انواع گیاهان به وجود آمدند (همچنان است همانند این افسانه در بابل و کشته‌شدن تی یامتا غول مهیب به دست مردوک). افسانه‌های آت تیس و ازیریس و آدونیس نیز شباهت تامی به اسطوره میترا دارند. آت تیس یکی از خدایان آسیایی و معرف بهار و طبیعت سرسبز است. او پسر آزدیس تیس است که مادرش به وی عشقی شدید دارد و می‌خواهد او را تصاحب کند، اما آت تیس خود را اخته می‌کند و مادرش دیگر نمی‌تواند به او دست یابد. سگ به خاطر آنکه خواص خوب خون گاو را جذب بدن خود کند آن را می‌لیسد و مار که در سنگ برجسته‌ها، همانند اساطیر یونانی، نماد زمین است خون گاو را از گودال زخم می‌نوشد تا جان تازه بگیرد (۴۶).

۵- نقش شیر

اساساً این حیوان جانوری عظیم، درنده‌خو، قهوه‌ای‌رنگ، غران و از دسته گربه‌سانان است، اما به محض آنکه آن را سلطان حیوانات یا فرمانروای جنگل بنامیم، به صورت نماد درمی‌آید. در واقع بین همه آفریدگان، شیر یکی از جانورانیست که بیش از همه درباره آن نمادسازی شده است. بخش اعظم این نمادسازی، جنبه دینی داشته و در میان اقوامی که شیر را به صورت وحشی نمی‌شناخته‌اند، نماد هم شمس است و هم قمری، هم خوب است و هم بد. در نقش شمسی معرف گرمای خورشید، شکوه و نیروی نیروی خورشید، اصل آتشین، عظمت، قدرت، دلیری، شهامت اخلاقی، عدالت، قانون، قدرت نظامی و شاه درندگان است، ضمناً مظهر بی‌رحمی و سفاکی و روال نیمه انسانی زندگی است. شیر نماد جنگ و نشانه ایزدان جنگ محسوب می‌شود.

در نقش قمری، شیر ماده است که ملازم مادر کبیر یا کشنده ارابه او است و مشخصه غریزه مادری است و غالباً ایزد بانوان باکره جنگجو، مانند آناهیتا را همراهی می‌کند (۴۷).

چهارمین درجه راز آشنایی در مهرپرستی، منصب شیر است. شیر تحت حمایت ژوپیترا است و با آتش روابطی دارد. درباره آتش و نقش آن در آیین مهر، آگاهی‌های بسیار محدودی داریم. همچنین است آگاهی‌هایمان درباره مقام و منصب شیر. در پرده‌های نقاشی و سنگ برجسته‌های منقوش، نقش شیر فراوان است. گاه در حال خدمتگزاری و گاه در حال اهدای هدایا به حضور میترا می‌رسد و در هر حال به میترا بسیار نزدیک است. شیر همراه گاو نر نماد مرگ و همراه گوزن نمایانگر آخرین دم حیات و لحظه مرگ است. شیر چنانکه اشاره شد، نماد آتش است و آتش نیز نماد خورشید. پس این بیان که خورشید پاک‌کننده همه چیز است، به این معناست که آتش همه را در پایان جهان و فرسگرد، یعنی در دوران فرسگردسازی پاک می‌کند. در نقش برجسته‌ای دیگر، یک شیر در حالت غرش، برابر ظرفی دیده می‌شود. نمونه‌هایی از چنین نقشی در جاهای دیگر نیز به دست آمده است. ظرف و خمره دسته‌داری در برابر شیر غرنده نقش شده، نماد آب است. آب و آتش آشتی‌ناپذیرند و به همین جهت سالکانی را که به مقام شیرمردی تشریف حاصل می‌کنند، با آب غسل نمی‌دهند، بلکه با غسل تدهین می‌نمایند. غسل از شیریه گیاهی که از تابش خورشید به عمل آمده درست می‌شود. به همین جهت در آیین میتراپی غسل با خورشید نسبت مستقیم داشته و آن را خورشید مجسم و نماد آن می‌پنداشتند. نشان این مقام جامه‌ای ارغوانی رنگ و کفگیری است که بدان آتش را زیر و رو کنند، اما مراسم تطهیر تشریف و آزمایش‌های شیر مردان، بنا بر وابستگی با عنصر آتش، بیگمان با آتش انجام می‌شد و وَرگرم یا وَرنگه (Varangha) آزمایش ایزدی نزد مزدیسنان، پیشینه‌ای کهن دارد. شیر از همراهان پیوسته میتراست و با دو جانور دیگر که سگ و مار باشند، از همراهان میترا در شکار محسوب می‌شوند. کسانی که به مقام شیرمردی می‌رسیدند، در مراسم و انجمن و برگزاری مناسک، صورتک شیر بر سر و روی می‌نهادند (۱۵).

در یکی از نقاشی‌های مهرابه سنت پریسکا واقع در اوانتن مربوط به سده سوم میلادی، روی دیواره چپ مهرابه، یک ردیف از تشریف‌یافتگان به مقام شیری ملاحظه می‌شوند که در صف جلو هستند و این بیانگر مقام ویژه‌شان در انجمن و مقامات هفتگانه است. یکی از وظایف شیر مردان در مهرابه، تیمار و مواظبت از آتش‌دادن‌ها بوده تا آتش مقدس پیوسته خوراک داشته و خوب بسوزد. همانندی این صحنه، با پرده نقاشی مهرابه سنت ماریا در کاپوآ، حائز اهمیت است، چراکه در آنجا رنگ گاو در حال قربانی سفید است و در اینجا نیز گاوی که برای قربانی اهدا می‌شود، سفیدرنگ است. شیرمردی که کوزه شراب را حمل می‌کند، نماد خون گاو قربانی شده و شراب جانشین همین خون است. با خون گاو قربانی مراسم تغسیل و تعمید نوآموزان انجام می‌شود که گاه آن را می‌نوشتند و گاه پدر با خون قربانی، پیشانی سالکان حاضر در مراسم را مسح و متبرک می‌کرد. در برخی از مهرابه‌ها، در انتهای تالار و زیر هلال مهرابه علاوه بر تندیس مقدس مهر گاو اوژن سر شیر و سر سگ نیز به عنوان نمادی از نوزایی دیده می‌شود (۴۸).

۶- نقش کلاغ (زاغ)

در فرهنگ‌های باستانی حیوانات از لحاظ تقدس و ارزش در طبقات مختلفی قرار می‌گرفتند و هر کدام نماد اسطوره‌ای بودند. به عنوان مثال پرندگان همواره در شمار جانداران ارجمند بودند و مردمان قدیم پرندگان را آفریدگانی فراسویی و از گونه‌ای دیگر می‌پنداشتند. در این فرهنگ‌ها، مرغان شکاری تیز پرواز از ارزش آیینی و نمادین بیشتری برخوردار بودند، مثلاً شاهین از دید نمادشناسی اسطوره برجسته‌تر و ارجمندتر از دیگر مرغان بود و ایرانیان، یونانیان و رومیان سرشت شاهین را از آتش می‌دانستند. ایرانیان باستان کلاغ را پرنده مهر و سروش می‌دانستند و ژرمن‌های باستان، کلاغ را یار و همراه خدای خویش، اودین می‌انگاشتند (۴۹).

زاغ یا کلاغ (Corax) یکی از حیوانات مقدس و مورد توجه در آیین مهر و اولین پله از مقامات مهری است که در مهرپرستی رومی به عنوان پیک مرکوری (Caduceu) (بهرام= مریخ) و نماد هوا شناخته می‌شود. این جاندار در نقش

پیشاهنگ و راهنما چهره آشنای فولکلور و اسطوره است. یک عنصر بسیار جالب در داستان مهر وجود کلاغ سیاهی است که او را به سوی گاو مقدس و غار سنگی هدایت می‌کند. به این ترتیب کلاغ نماد یکی از عناصر بود که آن را تداعی می‌کرد و خدای سیاره‌های حامی، عطارد و مرکور، با نماد جام و عصایی که گرد آن دو مار پیچیده‌اند، وابسته به عنصر هواکائوس و رمز تصویری کلاغ است. در مسأله قربانی گاو، کلاغ نقش پیک خداوند را ایفا و هم اوست که پیام خداوند را به مهر ابلاغ می‌کند. در مهرابه‌های سنت پریسکا در کنار نقش کلاغ این عبارت را می‌توان خواند: درود بر کلاغ که مرکور نگهبان اوست (۱۸)، چون کلاغ سمبول و کنایه از هوا نیز بوده، بنابراین کسانی که به منصب کلاغی می‌رسند سرپرست و مباشر انجام مراسم تشریف وابسته به عنصر هوا می‌شوند. پس از انجام مراسم و شعائر، نوآموز به لقب کلاغ مقدس مفتخر می‌شود. کسانی که مقام کلاغ دارند، چون مراسمی مربوط به نظارت آنان باشد، نقاب و صورتک کلاغ به چهره می‌بندند. اشارات مکرری در مورد رابطه کلاغ سیاه یا زاغ و آب در فرهنگ عامه می‌توان یافت. پیوند کلاغ با ابر و باران به این معنی بود که کلاغ را اغلب پرنده طوفان می‌پنداشتند. کسانی که خود را به شکل کلاغ درآورده‌اند، سرگرم پذیرایی در مجلس صرف طعام مقدس جهت شرکت‌کنندگان می‌باشند. کسانی که می‌خواستند به جرگه وارد شوند و تشریف حاصل کنند، ناگزیر از انجام یک رشته مراسم و تشریفات بودند. هنگامی که این مراسم پایان می‌یافت، پدر مقدس آنان را کلاغ مقدس (Ieros Corax) خطاب می‌کرد و این نشان آن بود که مقامشان رسمی شده است و از این هنگام بود که در مهرابه، اینان ملبس به پوشش کلاغ می‌شدند و در پاره‌ایی تشریفات از صدا و حرکات تقلید می‌کردند. چنانکه ملاحظه می‌شود، در همه تصاویر گاو اوژن، نقش کلاغ در شمایل مقدس، میان مهر و سُل وجود دارد که گاه در جایی دیگر نیز نقش این پرنده نمادین هست. در اساطیر یونانی، کلاغ پرنده ویژه آپولو است. به همین جهت آن را پیک خورشید نامیده‌اند که در اسطوره زندگی مهر، پیام و فرمان کشتن گاو را از سوی خورشید سُل/ آپولو برای مهر می‌آورد. در برخی تصاویر، جهت کلاغ به طرف

مهر است و پشت به سُل دارد که معلوم است از سوی سُل به طرف مهر آمده است. در فولکلور و باورهای عامیانه رومی، او را مرغ پیشگو یا پرنده‌ای که با صدای خود از آینده خبر می‌دهد، معرفی می‌کردند.

چنین باوری در بسیاری از جوامع وجود دارد، از جمله در ایران که هنگام غارغار کلاغ، شنوندگان می‌گفتند: خوش خبر باشی. پس در نقش‌خوانی، در این‌که کلاغ پیک و قاصد خورشید به سوی میتراست، اختلافی نیست. با توجه به این‌که نام کلاغ (Kerux/ Korax) خود به معنی پیک و قاصد است، در بعضی از تصاویر مربوط به شکار، کلاغ با مهر دیده می‌شود. نقش شیر و مار نیز در این تصاویر، بدین‌گونه تعبیر شده که این سه، از سوی ساتورن مأمورن همراهی میترا هستند. مهرپرستی و مراسم و باورهای مربوط به آن در برخی مناطق به شکل داستان‌های عامیانه به حیات خود ادامه داد. دست کم در یکی از روایات حماسه ارمی، راهنمای مهر «زاغ سخنگوی سرخ فام» توصیف شده است. در آلمان و بسیاری مناطق دیگر، مهر به شکل ایزدی سوارکار و گاوکش همراه با یک پیک کلاغ (یا کلاغ سیاه قاصد) ترسیم شده است و به نظر کمبل معمولاً در کنار کلاغ سیاه م، مار، خروس، عقاب و اسب نیز وجود دارند (۸).

۷- نقش ماهی

در نمادهای مهری همبستگی ویژه‌ای با آب و آنچه در آب بارور می‌شود و می‌روید دیده می‌شود که برجسته‌ترین آن‌ها مروارید، دلفین و نیلوفر است. در بالای سنگ هسیان‌فو درست بالای چلیپا یک مروارید درشت است. در کنار آن دو دلفین (ماهی پستاندار) است که در دم خود مروارید دارند. چلیپا نیز روی گل نیلوفر گذاشته شده و در دو کنار گل نیلوفر دو ابرو و دو شاخ گل دیده می‌شود (۵۰).

فر فریدون، به بن‌بوته نی نشست و به میانجی شیر گاوی که آن نی را خورده بود، به مادر فریدون و سرانجام به فریدون درآمیخت و نیز گوهر تن زرتشت به میانجی آب و گیاه به او راه یافت. بدیهی است گیاهی که در خور نگاهداری فرسوشیانس در دریاچه باشد، همان گل نیلوفر آبی خواهد بود. درباره نیلوفر گویند که با آفتاب از آب سر بیرون می‌آورد و باز

با آفتاب فرو می‌رود و مرغی به وقت فرورفتن آن درمی‌آید و صباح که نیلوفر از آب برمی‌آید و دهان می‌گشاید آن مرغ می‌پرد و می‌رود و شب از آب هیچ زحمت نمی‌کشد (۵۱).

گل آفتابگردان همیشه نمودار خورشید بوده است و نیلوفر نمودار آب‌ها، چنانکه در بندهش، هریک از امشاسپنتان را گلی نسبت داده‌اند: گل نیلوفر آبی، گل آبان است و گل آفتابگردان. مهر در یک لوح عیلامی دو پری ماهی از جنس مؤنث در میان یک متن مشبک که مظهر آب‌های آسمان و زمین است، قرار دارند و این آب‌ها به شکل طناب‌هایی از سه جفت ظرف فوران می‌کند (۵۲).

نقش مایه اصلی طرح «ماهی درهم» و «ماهی هراتی» در فرش، طرح لوزی منقش به گل و پره‌های چرخ و فلکی است که در چهار طرف لوزی قرار دارند. اساس این طرح از دین مهر سرچشمه گرفته است (۱۵).

مایگان هراتی از چهره مهر و دو ماهی شکل گرفته که در دوره اسلامی چهره مهر به گلی معمولاً هشتپر و نقش‌مایه ماهی به گل و برگ تبدیل شده و از این زمان بوده که بافندگان از آوردن نقش حیوانات در فرش امتناع کرده‌اند (۴۹).

بته‌جقه هم نماد ماهی است و هم نماد سرو خمیده، پس محل تلاقی دو فرهنگ مختلف می‌شود: ۱- فرهنگ زرتشتی؛ ۲- آیین مهر. چنانچه در نقوش کاشی‌ها، گچبری‌ها و نقاشی‌های قرون گذشته دقیق شویم، نقش‌مایه ماهی و گل چندپر که نماد نیلوفر آبی است مشهود است (۵۱).

نام ماهی که ماه نخست تاریخ میلاد مهر است، در فارسی دی‌ماه و در ماه‌های سیستانی کریشت است. مهر در سن ۲۵ سالگی مبعوث می‌شود و چهل سال میان مردم به دعوت می‌پردازد و انجیل یا بشارت‌های خود را در نامه ارتنگ می‌نویسد.

۸- نقش دلفین

پس از مروارید و صدف، بهترین نماد در خور داستان نگاهداری و پروراندن تخمه مهر در آب، دلفین بود که این ماهی، بچه خود را مانند جانوران شیرخوار با دادن شیر در آب بار می‌آورد. این‌که دلفین بستگی نزدیکی با دین مهر دارد،

برای نمونه، آشکارا در آدران در زیر ستونی که جلوی آن نوشته «به مهر شکست‌ناپذیر» و در دو طرف دیگر آن نقش دلفین است یا در پرستشگاه مهری مریده در اسپانی که زیر پای چپ تندیس مهر یک دلفین دیده می‌شود، پیداست. در شرق ایران که قلب سرزمین‌های مهری است، نقش‌های دلفین در پرستشگاه‌های مهری بسیار دیده می‌شود. عیسوی‌ها نیز با پیروی از مهری‌ها، نماد دلفین را که هیچ‌گونه بستگی بسا عیسی نداشت، در نقش‌های دینی به کار می‌برند (۵۳).

۹- نقش خروس

خروس در دین ایرانیان پیک سروش دانسته شده است. در صحنه‌های قربانی گاو، گاهی در پایین پای کو تس که معرف خورشید است، خروسی در حال آواز خواندن دیده می‌شود که با آواز خود اهریمنان را دور می‌کند. هنوز هم در هنگام سپیده‌دم آواز خروس به گوش می‌رسد و گویی که به خورشید خوشامد می‌گوید. با بانگ خروس مزدپرستان موظف بودند برخاسته و به عبادت بپردازند. به همین جهت است که مراسم عبادت و مراسم تشرف نوآموزان مهر نیز در سحرگاهان برگزار می‌شد. در آیین میتراپی، خروس جایگاه ایرانی خود را حفظ کرده است و در مراسم دینی خروس سفید به میترا هدیه می‌شود (۵۰).

نتیجه‌گیری

حیوانات، از قدیم‌ترین زمان تاکنون، جایگاه مهم و حضور قوی در زندگی انسان‌ها و فرهنگ و ادبیات عام داشته‌اند. حیوانات بسیاری از صفات انسانی همچون ذکاوت، مهرورزی، فداکاری، شجاعت، حزم و احتیاط، حماقت و کینه‌توزی و... با خود دارند. بدیهی است حضور و وجود محسوس حیوانات در زندگی انسان و در فرهنگ، خلق ابداعات، اختراعات و آثار هنری و... مؤثر بوده است. تعداد زیادی از حیوانات که در آیین مهر قرار دارند، بسیار ارجمند شمرده می‌شده و در متون دینی ایرانیان به نگهداری و احترام به آن فرمان رفته است. حیوانات در آیین مهر نقش محوری داشته و یکی از حیواناتی است که در اساطیر، اعتقادات، ادبیات عام و خصوصاً ادیان اشاره‌های بسیار به این مفید به چشم می‌خورد.

حیوانات را در بیشتر داستان‌ها و افسانه‌های ایرانی دارای جایگاه، نقش، با صفت مهریانی، وفاداری و راهنمایی می‌بینیم و گویی که آن حیوانات در مرز میان خودآگاهی و ناخودآگاهی هستند. از لحاظ زیست‌شناسی، همه محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی جریان دارد، محیط زیست نامیده می‌شود. در یک محیط زیست همه موجودات زنده به یکدیگر وابسته‌اند و این ارتباط بیشتر به علت احتیاج غذایی آن‌ها به یکدیگر است. هر حیوانی نماد یک ویژگی اخلاقی انسانی است، از آنجایی که یکی از موجودات خداوند مخلوقات خداوند و مخصوص حیوانات دارای حقوق زیستی مثل سگ که نماد وفاداری است. این بدان معناست که نه‌تنها سگ‌ها بسته به نقش اجتماعی‌شان از هم تفکیک شده‌اند، بلکه هر انسان در نتیجه مسؤولیت و پیامدی رفتاری خاصی که با سگ داشته است، مورد قضاوت قرار می‌گیرد، به طوری که اگر کسی به خاطر رفتار ناشایستش باعث اختلال در کارکرد سگی شود، باید خسارت ناشی از این کار را بپردازد و این موضوع بیانگر قوانین حمایتگری از حقوق حیوانات در ایران باستان شباهت است و بیانگر این که سگ عضوی از جامعه محسوب می‌شده است.

وابستگی موجودات زنده به یکدیگر در این جهان هنگامی که خدایان شکل انسانی پیدا کردند، نقوش کهن از میان نرفتند، بلکه خدای آدمی شکل را به صورتی مصور می‌کردند که بر فراز شکل حیوانی پیشین خود ایستاده یا بر آن نشسته است. همچنین قرص خورشید و ماه بخشی از تاج و پوشش سر او شدند. نقوش مربوط به قربانی کردن گاو توسط مهر از بازتاب‌های چنین نمادپردازی‌هایی به شمار می‌روند. افسانه زندگی و آداب و رسوم مهری، بر اساس تندیس‌ها، نقاشی‌ها و نقش‌برجسته‌هایی مرتب شده است که از مهرابه‌ها یا پرستشگاه‌های مهری دینان، به ویژه در کشورهای اروپایی حاصل شده است. همه آثار مکتوب که به شکل کتیبه در مهرابه‌ها به دست آمده، شاید متجاوز از چند ورق نشود و اغلب این نوشته‌ها، نام و نشان سازندگان مهرابه‌ها و آنانی است که مهرابه‌ها را به خدای میترا تقدیم کرده‌اند و تاریخ این بناهاست. به همین جهت بخش جالب توجهی از آنچه درباره میترا می‌دانیم، از روی همین بقایای غیر مکتوب مدون

شده‌اند. در میان پیروان آیین میتراپی قربانی، باده‌گساری و سورهای همگانی از گوشت متبرک حیوان مقدس که بیان نماد اصلی آن یکسان‌سازی با قدرت باروری و توانمندی حیوان الهی بود، رواج داشت، اگرچه برخی سنت و نوع قربانی کردن گاو و یا گاوکشی را رسمی سنتی از ایران که جزء جدانشدنی آیین بوده است، ندانسته و برآنند که تحت تأثیر مراسم شرقی که به ایتالیا نفوذ کرده و برخی مراسم گاوکشی با موضوعی که با همین گاوکشی جهت شکل‌گرفتن آفرینش مادی و گسترش خیر و برکت انجام می‌شود، در منابع مزدایی فراوان است. جایگاه حیوانات کاملاً مشخص است و در آیین مهری به تمامی آن‌ها احترام گذاشته می‌شود. تمامی حقوق حیوانات در یکسان‌سازی رتبه افراد برای دست‌یافتن به مقام مشخص می‌شود. همچنین در صور فلکی نیز نامگذاری آنان شایان ذکر است. بنابراین با احترام و حقوق متقابل بین حیوانات و انسان‌ها یک رابطه دوطرفه در این دین ایجاد می‌شود و در نتیجه مهر بیشترین حقوق و جایگاه برای حیوانات را در بین ادیان ایران باستان به خود اختصاص داده است. شناخت مهرپرستان به اندازه‌ای از حیوانات پیرامون خود کافی است که تقریباً از هر پستانداران، ماهی‌ها، نرم‌تنان، خزندگان، حشرات و پرندگان را دربر می‌گیرد. اهمیت حقوق زیستی در این دین بیش از سایر ادیان و مذاهب ایران باستان در نظر گرفته شده و مردم مهرپرست اهمیت بسیاری برای حیوانات قائل بودند، در نتیجه برخلاف باورهای عموم بدرفتاری مهرپرستان با حیوانات معکوس است و آن‌ها بالاترین و بهترین رفتار با حیوانات را در ایران باستان داشتند.



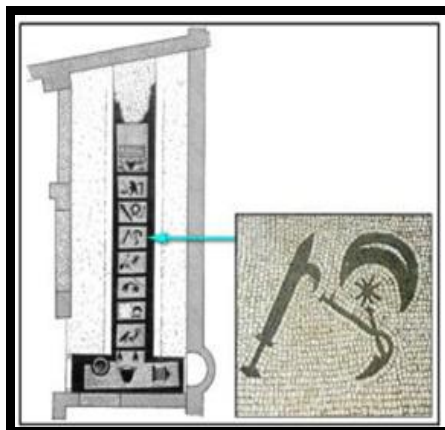
مجسمه میترا پاهای گاو خسته را به دوش گرفته و گاو را به پشت انداخته می‌کشد، موزه لوور، پاریس، فرانسه (۵۳)



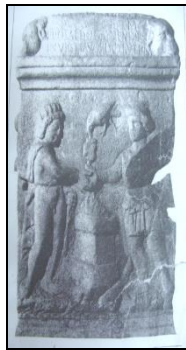
میترا در حال قربانی گاو، موزه لوور، پاریس، فرانسه (۲۳)



میترا بر روی جام ارابه زرین که چهار اسب سفید آن را می‌کشند سوار شده و به آسمان بالا رفته، محل نگهداری موزه بریتانیا (۵۴)



در این تصویر نمادهای هفتگانه مهری نشان داده شده که نمادهای جانوری از پایین به بالا مانند نماد مقام پنجم، پارسی یا کلاغ پیک خورشید یا مهر هلال ماه که ارتباط با آفرینش انسان در این آیین دارد. عقرب نشان اهریمن است که با نیش زدن به تخمه گاو که در بردارنده نطفه جانوران است می‌خواهد هستی را نابود کند که عدد هفت در آیین میتراپیسم بسیار حائز اهمیت بوده است، محل نگهداری منطقه اوسیتا (۵۵).



در این نقش برجسته، ایزد مهر را همراه سُل و لونا در روم باستان، به معنی خورشید شکست‌ناپذیر که خورشید را در غرب نشان می‌دهد که در دو طرف یک آتشدان دست یکدیگر را می‌فشارند و در بالای این آتشدان تصویر کلاغ یا پیک مهر دیده می‌شود. در این تصویر، آتشدان و کلاغ از نمادهای ایزد مهر است (۵۵).

جدول نمادهای حیوانی در آیین مهری و میترایسیم (نگارنده)

نماد حیوانی در قربانی گاو	ویژگی نماد
مار	نماد زمین
سگ	پاسبانی
شیر	آتش - نور - روشنایی
عقرب	اهریمنی
دشنه - چاقو	قدرت
مشعل آتش	ابزار نگه دارنده آتش وسیله ماندگاری نور
اشکال هندسی یا اشکالی چون ستاره و ماه	ارتباط مهر با آسمان

جانوران همراه ایزد مهر و میترا	
گاو	در آیین میترایسیم آغاز زندگی و آفرینش با کشتن گاو همراه است و از این بابت همراه مهر برای آفرینش جهان به شمار می‌آید.
شیر	شیر جانور همراه میترا است، بی شک نماد شجاعت، دلیری، نیرو، غرور و نماد خورشید است. خورشید یکی از نمادهای همراه مهر در این آیین به حساب می‌آید.
ماهی	در این آیین، یکی از باورها این بود که مهر درون آب متولد شده است. به همین دلیل در آثار این آیین، مهر را به صورت کودکی روی نیلوفر آبی تصویر می‌کنند.
سگ	سگ نگهبان گله و وظیفه‌اش پاسبانی از گله است و از آنجا که خدای مهر، خدای گله، رمه و چهارپایان نیز هست، از جانوران همراه مهر به حساب می‌آید.
مار	در آیین مهر، مار یکی از جانوران ایزد مهر به حساب می‌آمد و عاری از آب، باروری و گاهی نماد خود مهر بوده، اما رفته‌رفته نقش آن تغییر کرده و تبدیل به جانوری اهریمنی می‌شود.
اسب	با مهر در ارا به زرین همراه اسب در آیین مهر رنگ سفید است و نماد خورشید بوده و گردونه او را حمل می‌کرده است. اسب نمادی از پیروزی، پایداری و تحمل (در این مقاله اشارات کوتاهی به اسب شده است).
پرندگان (کبوتر و عقاب)	هر دو نقش پیک مهر را بر عهده دارند و کبوتر نماد آشتی بزرگ میان مردمان است که هدف دین مهر بوده است.
عقرب یا کژدم	این جانور نماد اهریمن است که با نیش‌زدن، تخمه گاو که در بردارنده نطفه جانوران است، می‌خواهد هستی را نابود کند.

References

1. Comparti M. Comprehensive History of Iran: Sassanid Archaeological Art. Translated by Jafari Dehghi SH. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia; 2012. Vol.4.
2. Amouzgar ZH, Tafazoli A. The myth of Zoroaster's life. Tehran: Cheshmeh; 2010.
3. Guide for the Care and Use of Laboratory Animals Federation. 2010.
4. Warner R. Encyclopedia of World Mythology. Translated by Esmailpour A-GH. Tehran: Myth Publication; 1999. p.169.
5. Genius PH. Ardaviraf letter. Translated by Amouzgar JH. Tehran: Mo'in Publication; 1998.
6. Mazdapour K. Worthy is unworthy. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research; 1990. p.107.
7. Pourdavoud E. Avesta Yasht. 2nd ed. Tehran: No Name; 1947.
8. Martine V. Dieu Mystérieux Mithra a Secret God. Translated by Bozorgzade N. Tehran: Cheshmeh Publication; 2014. p.25, 50, 62, 70.
9. Benveniste E. The Persian Religion According to the Chief Greek texts 1195. Paris: No Name; No Date. p.145.
10. François V, Marie C. Mysteries of Aitra Mitra. Translated by Razi B. Tehran: No Name; 2016.
11. Olanci D. New Research in Mithraism. Translated by Amini M. Tehran: Cheshmeh Publication; 2011. p.114.
12. Rostampour S. Seal worship in Indo-Roman Iran. Tehran: Khorshidafarin Publication; 2003.
13. Gonda J. Mitra in India; Mithraic Studies. Proceedings of the First International. Amsterdam: Amsterdam Acad Press; 1975.
14. Beck R. In the place of the Lion: Mithras in the Tauroctony. Edited by Hinnells JR. London: No Name; No Date. p.50, 76-77.
15. Moghaddam M. An Inquiry into Mehr and Nahid. Tehran: Hirmand Publication; 1999. p.10, 32-35, 104.
16. Merkel R. Mitra a in and History. Translated by Golizadeh T. Tehran: Akhtara Publication; 2008. p.11, 15.
17. Bobs M. The role of Seal in Zoroastrian religion; (Seal in ancient Iran and India). Translated by Gha'em Maghami AR. Under the supervision of Babak 'Alikhani. Tehran: Ghoghnoos Publishing; 2005.
18. Duchenne Gaiman J. Religions of Ancient Iran. Translated by Ajoudani A. Tehran: Sales Publication; 2007. p.11.
19. Roman G. Iranian Art during the Parthian and Sassanid. Tehran: Elmi farhangi Publication; No Date. p.113.
20. Common F. Eastern religions in the Roman Empire. Translated by Mo'allm M, Orujnia P. Tehran: Samt Publication; 1998. p.34.
21. Gholizadeh KH. Mythological Encyclopedia of Animals. Tehran: Parseh Publication; 2013.
22. Prebsskof N. Ways of early lovemaking; the religion of love in the ancient world. Collection of reports of the Second International Congress of Mehrology. London: Tous Publication; 1981. p.41-99.
23. Shorthaim EL. The Spread of an Iranian Religion in Europe. Translated by Gholi Derakhshani N. Tehran: Sales Publication; 2008.
24. Tim P. The concept of seal in Aryan beliefs. Translated by Gha'em Maghami AR. Mehr in Ancient Iran and India, under the supervision of Babak Alikhani. Tehran: Ghoghnoos Publication; 2005.
25. Clauss M. The Roman Cult of Mithras: The God and His Mysteries. Translated by Francis T. No Place: No Name; No Date.
26. Boyce M. A History of Zoroastrians of their beliefs and religious customs. Translated by Bahrami A. Tehran: Ghoghnoos Publication; 1982. p.63.
27. Collins Jean B. A History of the animal world in the ancint near east. No Place: Leiden Publication; 2002.
28. Eliadeh M. Encyclopedia of Religion. Lindsey Jones editor in chief. 22th ed. No Place: No Name; 2005.
29. Boyce M. On Mithra's part in Zoroastrianism. Bulletin of the School of Oriental and African Studies. London: University of London Press; 1969. Vol.32 No.1, 10.
30. Bivar ADH. The Personalities of Mithra in Archaeology and Literature. New York: No Name; 1988.
31. Shoalie J, Gerbran A. Culture of symbols. Translated by Faza'eli S. Tehran: Jaihun Publication; 1999.
32. Cumont F. The mysteries of Mithra. New York: No Name; 1903.

33. Sarkhosh Curtis V. Persian Myths. Translated by Mokhber A. 6th ed. Tehran: Markaz Publication; 1916.
34. Gershevitch I. The Avstan Hymn to Mithra. Cambridge: University of Columbia; 1967.
35. Merkelbach R. Mitra: Religion and history. Translated by Golizadeh T. Tehran: Akhtaran Publication; 2008.
36. Dadvar M. Introduction on the Myths and Symbols of Iran and India in Ancient Time's. 11th ed. Tehran: Kalhor Publication; No Date. p.76.
37. Roghayeh B. Painting of Western and Eastern Symbols. Tehran: Mo'aser Publication; 2001. p.13, 45.
38. Hinnells John R. Mithraic Studies. Proceedings of the First International Congress of Mithraic Studies. Manchester: Manchester University Press; 1975. Vol.2.
39. Mohammad Rashed MT. Religions Rescue. Tehran: Elmi va Farhangi Publication; 1998. p.77.
40. Anoshe H. The Median and Achaemenian Periods. Tehran: Amirkabir Publication; 1998. p.38-43.
41. Almeida M. Notas Historicas Ecriticas Sobre o Cristo persa e o Cristo Judea. No Place: No Name; No Date. p.42-74, 132.
42. Jaime Alvar E. Romanising Oriental Gods, Myth, Salvation and Ethics in the Cults of Cybele, Isis and Mithras. No place: Richard Press; 2008.
43. Autran S. Mithra, Zoroastre ET la Prehistoire Aryenne Duchristianisme. Avec vingt-trois illustrations Hors Texte. Paris: Payot Avesta; 1931. p.14, 16-17. 179.
44. Roger B. Planetary gods and planetary orders in the mysteries of Mithras. Burlington: VT Ashgate Publication; 1998.
45. Behn F. Das Mithrasheiligtum zu Dieburg. Berlin: Leipzig Gruyter Publication; 1928. p.109.
46. Walter B. Study mithraici e mazdei. Roma: Istituto diglottologia Della Universit: Centro Culturale Italo Iraniano; 1977.
47. Bettany GT. The great Indian religions: Being a popular account of Brahmanism. Hinduism: Buddhi Publication; 1892.
48. Betz H. Dieter Gottesbe gegnung und Menschwerdung: Zureligionsgeschichtlichen und theologischen Bedeutung der Mithrasliturgie. Berlin: PGM; 2001. p.182, 475, 820.
49. Harald S. Mithra, Oder, Warum Gott Vertrag beim Aufgang der Sonne in Wehmut zureuckblickte. Meunchen: Wilhelm Fink Verlag; 2008. p.78-79.
50. Toynbee JMC. A silver Casket and Strainer from the Walbrook Mithraeum. London: Leiden Publication; 1963. p.24, 90.
51. Toynbee JMC. The Roman art treasures from the Temple of Mithras The Society. London: No Name; 1986. p.97.
52. Robert C, Assche V. Mithra ET le Christ. Paris: Cercle Ernest Renan Publication; 1972.
53. Brown S. Methodology in the interpretation of Roman Mithra imagery. No Place: No Name; 2012. p.105-211.
54. Berlin JF. Parallel Myths. Translated by Mokhber A. Tehran: Markaz Publications, 2007. p.32-33.
55. Peron S. Roman Mythology. Translated by Farrokhi B. Tehran: Asatir Publications; 2002. p.201.